

خط‌سیرهای باستانی و سیمای تاریخی بخش نگین کویر شهرستان فهرج (منظر فرهنگی بم)^۱

لیلا فاضل^۲، فرخ مهری‌نژاد^۳، مسعود قمری^۴، افشین ابراهیمی^۵، محمد شیخ^۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳

چکیده

فهرج در جنوب شرقی استان کرمان و حاشیه جنوبی کویر لوت، موسوم به لوت زنگی احمد قرار دارد. تا پیش از مطالعات اخیر، سیمای تاریخی این سرزمین در سایه پرآوازه مناطق دیگری چون بم و ارگ پرشکوه آن پوشیده بود. عمده متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه اسلامی از «فهرج» نام برده‌اند که نشان از اهمیت این خطه دارد. فهرج که در مسیر کهن فارس به نواحی شرقی داشت، از حلقه‌های ارتباطی ایران جنوب غربی با نواحی شرقی تر به شمار می‌رفت و از رونق ویژه‌ی برخوردار بوده است. آثار این شکوفایی هم‌اکنون بصورت بناها و محوطه‌های وسیع تاریخی بجاست. این سرزمین، محل عبور و تلاقی خط‌سیرهای مهم باستانی بوده است. پیشینه این مسیرها به دوره هخامنشی بازمی‌گردد. رونق این مسیرها تا قرون اولیه و میانه اسلامی همواره برجای بوده و حیات برخی تاکنون نیز ادامه دارد. پژوهش حاضر نتیجه طرح «بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بم» و طرح «بررسی، مستند سازی و تهیه مدارک باستان‌شناسی منظر

۱. مقاله پیش‌رو برگرفته از طرح‌های پژوهشی با عنوان «بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بم» و «بررسی، مستند سازی و تهیه مدارک باستان‌شناسی منظر و محور فرهنگی بم» است که به سرپرستی لیلا فاضل، طی قراردادهایی با سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان، در پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن انجام شده است.

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان (نویسنده مسئول): lilifazel@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران؛ farokh_kenedi@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بم

۵. دانشجوی دکتری مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

۶. کارشناس ارشد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

و محور فرهنگی بم» است که در فاصله سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ ه.ش به اجرا در آمده است. در مطالعات میدانی آثار متعددی از دوره‌های مختلف فرهنگی از آثار دوره فراپارینه سنگی گرفته تا آثار متعلق به قرون متأخر اسلامی در این شهرستان شناسایی شد. این پژوهش با ارائه شرحی از مسیرهای باستانی و معرفی تعدادی از آثار متعلق به دوره‌های تاریخی، به ترسیم گوشه‌یی از سیمای تاریخی- فرهنگی شهرستان فهرج در بخش نگین کویر پرداخته است. محوطه مهدی‌آباد علیا (اولیاء) با وسعت بیش از چهارصد هکتار، آثار شهری از دوره هخامنشی را نشان می‌دهد و محوطه چاه ریگان با وسعتی در حدود شش هزار هکتار وسیعترین محوطه شناسایی شده از دوره ساسانی تا قرن پنجم هجری، در ناحیه منظر فرهنگی گسترده بم است. قلات اسلام‌آباد با کاربری کوشک (یا آتشکده) و قلات ده شهیک (قلعه یا کوشکی دو اشکوبه) از دوره ساسانی به جای مانده و هر دو دارای نقشی مؤثر در مطالعه معماری دوره ساسانی هستند.

کلید واژگان

مسیرهای باستانی؛ فهرج؛ هخامنشی؛ ساسانی

جغرافیای سیاسی و طبیعی شهرستان فهرج

شهرستان فهرج در ۲۳۰ کیلومتری انتهای شرقی استان کرمان، در ناحیه منظر فرهنگی بم و در حاشیه جنوبی دشت لوت موسوم به لوت زنگی احمد، در مسیر جاده اصلی بم- زاهدان واقع شده و دارای موقعیت طبیعی دشت است. این شهرستان از سوی غرب به شهرستان نرماشیر، از شمال شرق و شرق به استان سیستان و بلوچستان و از جنوب و جنوب شرق به شهرستان ریگان محدود می‌شود. شهرستان فهرج با وسعت ۴۹۵۰ کیلومتر مربع شامل دو بخش مرکزی و نگین کویر (چاهدگال) است (نقشه ۱).

آب و هوای این شهرستان گرم و خشک بوده و میزان تعریق و تبخیر چندین برابر میزان بارندگی است. بارش کم و نامنظم، اختلاف شدید درجه حرارت روز و شب و وزش بادهای تند و طوفانهای شن از ویژگیهای کلی آن می‌باشد. ارتفاعات این شهرستان بصورت بسیار محدود در شمال و شمال شرق مرکز بخش قرار دارد. با توجه به عدم وجود ارتفاعات، رودخانه‌های این شهرستان از ارتفاعات جبال بارز در بم سرچشمه گرفته و از اینجا عبور میکنند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶). عمق دره رودخانه فهرج چهل تا پنجاه متر است و آب شور و تلخی

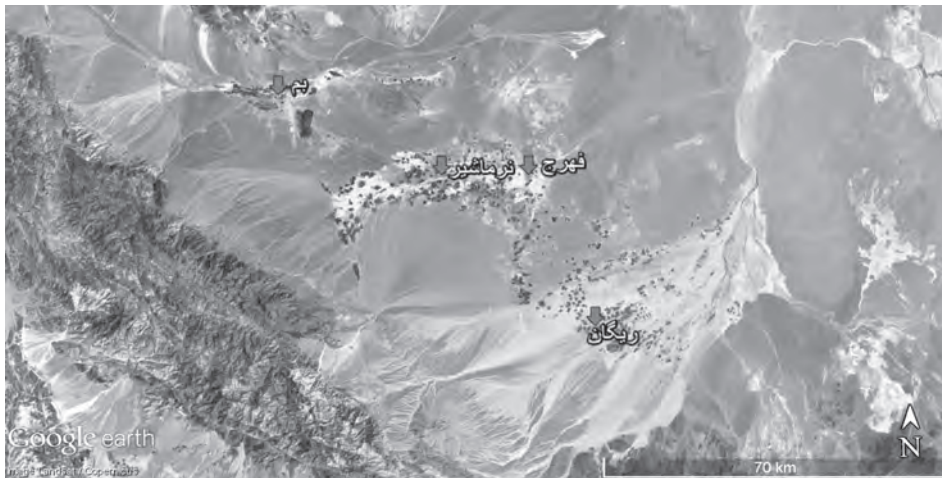
منظر فرهنگی گستردهٔ بم

این منظر وسیع شامل شهرستانهای بم، نرماشیر، فهرج و ریگان است (تصویر ۱). برخی متون تاریخی و جغرافیایی دورهٔ اسلامی به ترسیم حدود بم و جنوب شرق ایران پرداخته‌اند. در متون تاریخی بم را «دارالاربعه» لقب داده‌اند. مؤلف بم‌نامه در قرن نهم هجری در رسالهٔ مفقود شده خود مینویسد: چهار شهر بم، جزان خواص نرماشیر، چغوک آباد و دارزین از شهرهای مهم و پرجمعیت منطقه بوده‌اند (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۰: ۲۰۵).

مؤلف نامعلوم سفرنامه بلوچستان در اواخر دوره قاجار مینویسد: «بم در سابق شهری بوده که الان هم معروف است به دارالاربعه» (دریاگشت، ۱۳۷۰: ۵۸). این نامگذاری به این دلیل است که هر یک از مراکز بخشهای تابعه بم به روزگار خود شهری مهم در تاریخ بوده‌اند (سالار بهزادی، ۱۳۷۴: ۸۷). لازم بذکر است که هم در گذشته و هم در حال حاضر، در میان اهالی قدیم منطقه، معمولاً سه منطقه نرماشیر، ریگان و فهرج، در مجموع «نرماشیر» اطلاق میگردد؛ بعنوان مثال عبدالحسین میرزا فرمانفرما در ذکر حدود سرحد خاش می‌آورد: «یک حدش به نصرت آباد منتهی‌الیه نرماشیر» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۱۹۲). حال آنکه، نصرت آباد از گذشته تاکنون در مجاورت خاک فهرج قرار داشته و فهرج از گذشته‌های دور تاکنون به همین نام خوانده شده است.

ناحیه بم و منظر فرهنگی آن در شهرستان بم قرار دارد. این شهرستان دارای پنج بخش است: بخش مرکزی، نرماشیر، فهرج، ریگان و روداب (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۶: ۶۲). اگرچه از سال ۱۳۸۶ هـ.ش بخشهای تابعه بم از این شهرستان جدا شده و هریک به شهرستانی مستقل تبدیل گردیده، اما تعریف این منظر، بر اساس یکپارچگی فرهنگی و نه جغرافیای سیاسی این مناطق میباشد.

«باید روند مدیریت منطقه‌یی بم را به منطقه گسترده‌تر بم وسعت داد تا بتوان تجزیه و تحلیل و حمایت از مفهوم و اهمیت منطقه گسترده‌تر بم را تضمین کرد» (همان: ۴۸). از دلایل ثبت منظر فرهنگی بم در فهرست میراث جهانی، عبور راههای مهم بازرگانی است. بم در تلاقی راههای بازرگانی مهمی است که آسیا و خلیج فارس را به یکدیگر متصل میکند. اگرچه بم در جنوب راههای اصلی ابریشم و ادویه، بین چین و اروپا واقع بود، اما از نظر بازرگانی منطقه‌یی کلیدی بر سر راه آسیا به هند و افغانستان محسوب میشد و از سوی دیگر، اتصال به منطقه خلیج فارس و عمان را در جنوب تأمین میکرد (همان: ۴۱). سرزمین فهرج واقع در ناحیه منظر فرهنگی بم، نقشی اساسی در عبور و تلاقی راهها دارد.



تصویر (۱) تصویری هوایی از ناحیه منظر فرهنگی بم (بم، نرماشیر، فهرج، ریگان). منبع: Google earth. مکان بانی: نگارندگان

جغرافیای تاریخی و خط‌سیرهای باستانی فهرج

نام فهرج در متون به اشکال مختلف «فهرج»، «پهرج»، «پهره»، «پوره» و «پوره» و «باهر» ضبط شده است. اصطخری در ذکر نواحی کرمان چنین می‌آورد: و آنچه به طرف بیابان است به ناحیت دریا نرماشیر و فهرج و سنیچ‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۳). ابن‌حوقل فهرج را جزء نواحی بم آورده و مینویسد: در جانب بیابان از ناحیه بم؛ نرماشیر، فهرج و سبیج است. سبیج در وسط بیابان و جدا از مرزهای کرمان است که برخی آن را جزء سیستان می‌پندارند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴-۷۳). از بم به بیابان نیز راهی است، بدین ترتیب که از بم تا نرماشیر یک منزل و از آنجا تا فهرج بر کناره بیابان یک منزل (همانجا؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۹). اصطخری در صورت مفاز (بیابان) میان فارس و خراسان، شهرهای آباد و مهم حاشیه بیابان را ترسیم میکند. در این نقشه، "پهرج"، آخرین نقطه آباد گوشه بیابان و بصورت چهار راهی نشان داده شده که راهی از آنجا (از طریق سبیج) به زرنج امتداد مییابد. بعد از فهرج تنها یک نقطه آباد دیگر رسم شده که همان سبیج (نصرت آباد حالیه) است و راهی دیگر از آن به قریه ده سلم میرسد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۷۱). بنابراین راهی از فهرج بدین طریق به زرنج و از سویی به ده سلم میرود. مقدسی در قرن چهارم هجری کرمان را به پنج خوره تقسیم میکند که عبارتند از: بردسیر، نرماشیر، سیرجان، بم و جیرفت. نرماشیر در کنار کویر در سمت سیستان است. قصبه آن به همین نام و از شهرهایش باهر، کرک، ریگان و نسا است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۲-۶۸۱). نرماشیر انباری گرانمایه با کاخهای زیباست. نفرات خراسان از اینجایند، کالای عمان به اینجا میرسد و خرماهای کرمان در اینجا جمع‌آوری میشود، راه حاجیان سیستان از اینجا میگذرد.

سالانه یکصد هزار بار خرما و بر بهار از آنجا حمل میشود (همان: ۹۳). باهر و کرک هر دو در مرز سیستان پاکیزه و آبادند و باغ و نخلستان و نهر و کاریز دارند (همان: ۶۸۵). لسترنج مکان باهر و کرک را بین بم و ریگان مینویسد (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۶). بین ریگان و بم، شهر کرک قرار داشت و در مجاورت کرک شهر دیگری که آن را باهر میگفتند. امروزه از شهر باهر اثری بر جای نمانده، اما کرک آبادان و دارای نخلستانهای وسیع است (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۲: ۴۵). لیکن مطالب ذکر شده درباره مکان شهرهای باهر و کرک از سوی پژوهشگران صحیح بنظر نمی‌رسد. باهر در اینجا، پاهر و همان پهره یا پهرج است و مقصود از کرک همان گرگ بنظر میرسد. بیابان گرگ بین پهرج و اسپی قرار داشت که ابن خردادبه به وجود میلی در آنجا اشاره میکند: «تا مناره سه فرسخ که منزلگاهی بدون آب است» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۵). در شرح آثار خیر ملک قاورد، از بیابان گرگ بصورت کرک نیز یاد شده است (وزیری، ۱۳۷۵: ۳۵۷). بلحاظ جغرافیای سیاسی نیز پهرج و گرگ از گذشته تا کنون در مرز سیستان و کرمان واقعند؛ بخصوص که مقدسی، اسفید (اسپی) را از سیستان می‌شمرد. مرکز اصلی ناحیه گرگ امروزه گرگ آباد است که سر راه مزارآباد واقع شده و آب فراوان از رود ماهی دارد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۶۳). سیلابهای رود ماهی به رود گرگ متصل میشود و دره ماهی یک معبر طبیعی بسیار قدیمی بسمت بمپور، ایرانشهر و خاش است (مستوفی، ۱۳۴۸: ۵۲). پهرج یا همان باهر در مسیر سیستان و قبل از نرماشیر قرار داشت. نرماشیر و پهرج هم‌اکنون نیز متصل به یکدیگر و فاقد هرگونه مرز طبیعیند. بنابراین، آبادانی و رونق تجاری را که مقدسی برای نرماشیر عنوان میکند، بلاشک پهرج را نیز در برمیگرفت. مطالعات باستان‌شناسی اخیر نیز در جهت تأیید صحت این ادعاست. از دلایل اهمیت پهرج، همجواری و ارتباط با مراکز مهم تمدنی روزگار کهن چون سیستان با کرسی‌رام شهرستان و زرنج و نیز نواحی آبادانی چون خاش، نه (نهبندان)، سبیج (اسپی) و از امتیازات آن عبور محورهایی بود که به نواحی سیستان و خراسان، فارس و کرمان و مکران و هند و کابل و قندهار و... میپیوست. در فتوح البلدان، در فتح سیستان و کابل در سال سی‌ام آمده است: «عبدالله بن عامر کریز بن ربیع را به عزم خراسان فرستاد و سپاه خود را در شیرجان مستقر کرد و ربیع بن زیاد را به سجستان فرستاد. او برفت و در پهرج منزل کرد و وی سپس با عبور از کویر و با طی هفتاد و پنج فرسنگ به رستاق زالق (جالتق) رسید. بین زالق و سجستان پنج فرسنگ است» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۴۸).

در کتاب تاریخ سیستان در شرح فتوح اسلام و فتح سیستان آمده است: «عبدالله بن عامر سپاه فرستاده عثمان به فرماندهی ربیع بن زیاد را به سیستان فرستاد. عبدالله او را بفرستاد به پهره

کرمان برسید، آن را به صلح بدادند و از آنجا به جالق مهتر آن با او صلح کرد». (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۴۲).

از این مطالب دو نکته را میتوان دریافت: اول آنکه، اهمیت فهرج را در دوره ساسانی و در بدو ورود اسلام نشان میدهد و دوم اینکه به وجود مسیری اشاره دارد که در آن زمان از فهرج به جالق میرفته است. این راه ابتدا به خاش رفته و از آنجا به جالق امتداد مییافت. مقدسی در ذکر مسیر قزدار به جیرفت به مسیر خاش به جالق اشاره میکند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۴). خاش از نواحی آبادان دوره ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی بوده و مقدسی آن را از سرزمین سند (همان: ۷۰۲)، اصطخری از سیستان (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۸) و ابن‌حوقل آن را آخر مرز کرمان میداند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴). اصطخری در اینباره مینویسد: از آنجا فانیذ و خرما بعمل می‌آید که به سیستان و خراسان حمل میشود و از آنجا مسیری به بست میرود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۸ و ۲۶۱).

محل ضرب برخی سکه‌های بدست آمده از دوره ساسانی خاش بوده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). موقعیت سه شهر فهرج، خاش و سبج بر صورت (نقشه) کرمان از متن اصطخری، بشکل مثلث کوچکی است که هرکدام بر یک رأس آن واقع شده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۷۱).

یکی از مسیرهای خارج شده از دروازه‌های زرنج بسمت خاش امتداد مییابد (افشار سیستانی، ۱۳۷۴: ۳۵۴). خاش در یک منزلی زرنج واقع شده است و ابن‌حوقل آن را بزرگترین شهرهای ولایت سیستان میداند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۶۷). محوطه مهدی آباد از دوره هخامنشی و محوطه چاه ریگان با وسعت شش هزار هکتار از دوره ساسانی تا قرن پنجم هجری و نیز تل قلات ده شهیک، بر سر راه قدیم ریگان و فهرج به سیستان و خواش قرار داشته‌اند (فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴). خواش کرسی‌نشین ناحیه سرحد است (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۶۵). اهمیت فهرج در همسایگی با سیستان و کرسی آن زرنج امری مسلم است. زرنج به قول مقدسی از عجایب بلاد عجم بود. این شهر از درخشانترین فرهنگها و بزرگترین مراکز شهرنشینی در جنوب آسیای مرکزی بود. اولین ناحیه آباد این مسیر در عبور از بیابان و ورود به کرمان، فهرج و ریگان و سپس نرماشیر بود. زرنج در زمان پادشاهان ساسانی شهری عظیم بشمار میرفت و از آن ضمن اخبار فتوحات اولیه مسلمانان در سال بیست هجری بکرات یاد شده است. براساس متون قرن چهارم هجری، کرسی سیستان تا پیش از این رام شهرستان یا ابرشهریار بود. این شهر نیز در سه منزلی زرنج و در مسیر زرنج به کرمان قرار داشت که شعبه بزرگ هیرمند از آن میگذشت و پس از شکسته شدن بند آن و از بین رفتن روستاهایش اهالی آنجا، زرنج را ساخته و در آنجا سکنی گزیدند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۶۴).

راههای سیستان همه در زرنج مرکزیت پیدا میکرد. راه کویر نرماشیر که از سبج گذشته بود به

زرنج میرسید و از آنجا، راهی به هرات منتهی میشد. از زرنج به سمت شرق راهی به بست میرسید و سپس به قندهار و غزنه امتداد مییافت (همان: ۳۷۶). راهی که از هرات به زرنج میرسید، کاروانها را یا بسوی شیراز و بغداد از طریق بیابان لوت و کرمان میرساند و یا بسوی بلوچستان از طریق مکران و توران به جانب جنوب هدایت میکرد (افشار سیستانی، ۱۳۷۴، ۳۵۷). راهی از جنوب غربی شهر زرنج بسوی فارس میرفت. این راه از دو دروازه جنوب غربی شهر شروع و پس از عبور از رام شهرستان و ناحیه سرحد به سیبج و کرمان میرفت (همان: ۳۵۴). در نقشه اصطخری این راه، پس از سیبج به فهرج میرود.

مقدسی چهار شاهراه را در کویر نام میبرد که از جمله آن، راه کرمان و راه سند است. «راه کرمان به خراسان و سکستان میرسد که دور است و راه سند جز از سکستان نگذرد. از سکستان به فارس جز از کرمان نتوان شد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۱).

ابن خردادبه نیز مسیر کرمان به سیستان را ادامه راههای فارس عنوان میکند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۵). این راه از فهرج نیز عبور میکند؛ بنابراین فهرج از منازل مهم در مسیر سیستان به فارس است. در تاریخ سیستان در شرح احوال سبکری و نبرد وی با سپاه مقتدر آمده است: «روز دوشنبه به سیرجان آمد و باز از آنجا به بم آمد و پیرامون بم کنده (خندق) کرد». پس از شکست سبکری مینویسد: «سبکری به راه پهره بیامد و از آنجا به نه آمد و از آنجا به طبس آمد و یارگی نداشت که به سیستان آمدی...» (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۶۲).

این مطلب نشان از وجود مسیر ارتباطی فهرج با طبس و خراسان از طریق نه (نهپندان) است. این مسیر احتمالاً یک منزل بعد از فهرج و در مکان رأس‌الماء بر مسیر راه نو که اصطخری از آن یاد میکند، منطبق میشود. راه نو از دارستان به رأس‌الماء سپس ده سلم و از آنجا به هرات منتهی میگردد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۴۹). نه در مسیر رأس‌الماء به ده سلم قرار دارد و نه در مرز قهستان و از شهرهای سیستان است. سخن جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی و آنچه امروز از خرابه‌های این شهر بر جای مانده حاکی از آن است که این شهر در قرون وسطی، مکانی پر اهمیت بوده است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۶۵).

علاوه بر راههای سیستان، راههای مکران نیز ادامه راههای کویر است که به هندوستان منتهی میشود. این راه از فهرج در حاشیه کویر شروع میگردد و ابن خردادبه منازل آن را تا فزنبور قصبه مکران آورده و از فزنبور با طی سه منزل به قصدار و بند تیس میرسد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۷). این راه همان راه ادویه است. راههای معروفی که فلفل هند را به سواحل مدیترانه حمل مینمود،

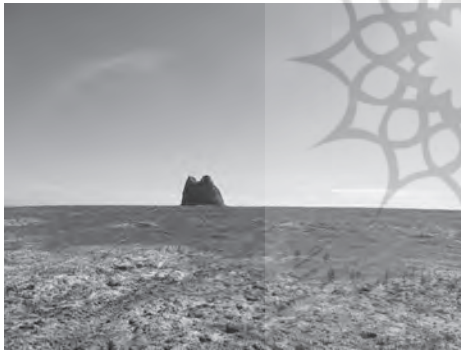
در تاریخ بنام «راه فلفل» یا «جاده ادویه» نامیده میشوند و لاجرم یکی از شاهراههای هند از کرمان عبور میکرد. راه ابریشم که بر اثر یک اشتباه مشهور به "راه ابریشم" معروف شده یک راه چهار اسبه شرقی-غربی نیست بلکه یک محدوده جغرافیایی را در بر گرفته و دارای شاخه‌های متعددی است. همه کالاهایی که از شرق به غرب انتقال مییافت، لاجرم از این راه میگذشت و حتی کالاهای هند که از "راه ادویه" عبور میکرد به همین راه میرسید (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۳۱۶، ۲۰۳، ۳۹۲). تا شروع استفاده از کانال سوئز، باز ایران بر سر چهار راه عمده ارتباط شرق و غرب قرار داشت و راه ابریشم و شعبه‌های آن که راه ادویه مهمترین آن بود در سراسر ایران، کالا صادر و وارد میکرد (همان: ۲۶۷).

قزدار با وجود کوچکی پرسود و مورد توجه کاروانهای فارس، خراسان، کرمان و شهرهای هند است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۴). آبادانی این راه بود که موجب گردید تا در زمان طغرلشاه سلجوقی پادشاه کرمان "عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار رسید و تمغای بندرطیس پانزده هزار دینار اجاه رفت." (وزیری، ۱۳۷۵: ۹۶).

در متن سلجوقیان و غز در کرمان، در شرح آثار خیرملک قاورد آمده است: ملک قاورد در اطراف کرمان نبرد بسیار کرد و از آن جمله نبردی بود در دربند سیستان که کرمان را تسخیر کرد. او در راه سیستان و در دره قاورد در چهار فرسنگی "اسفه" دری آهنی ساخت و نگهبان گماشت. از سر دره تا فهرج بم که ۲۴ فرسخ است در هر سیصد گام میلی به دو قامت آدمی بنا نهاد و دو مناره مابین گرگ و فهرج بنا کرد. اگر چه امیال قلیلی بجا مانده اما مناره دوگانه بجاست و در راهی که از کرک جدا شده به جانب گشت (گشیت) خبیص میرود و رانیان گویند که یک دو مناره کوچک است (خبیصی، ۱۳۸۶: ۳۴۱؛ وزیری، ۱۳۷۵: ۳۵۷). البته براساس آنچه خردادبه می آورد میلهای مزبور از پیش از قاورد بر پا بوده است. میلهای لوت زنگی احمد، امتداد میل نادری است که از دوره ساسانی بجا مانده‌اند. بنظر میرسد که ملک قاورد در واقع به تعمیر و ساخت میلهها و راه مزبور پرداخته باشد.

مطلب فوق ضمن اشاره به محور ارتباطی سیستان به کرمان از طریق فهرج، به وجود مسیر ارتباطی سیستان به خبیص (کشیت) نیز اشاره دارد. این مسیر از لوت زنگی احمد در فهرج عبور میکند و در آنجا بقایای میلهای موسوم به رحیم داد، میل بلوچان و بقایای قلعه شکرو، بجاست. قلعه شکرو در لوت زنگی احمد از سرزمین فهرج قرار دارد و همان مکان رأس‌الماء بنظر میرسد (تصویر ۱ و ۲). میل رحیم داد و میل بلوچان دارای نقشه‌ی مدور و مخروطی شکل هستند. ارتفاع باقیمانده از میل

رحیم داد ۷/۵ متر و مصالح ساخت آن خشتهایی با ابعاد $۳۵ \times ۳۵ \times ۹/۸$ سانتیمتر و $۴۳ \times ۴۳ \times ۱۲$ سانتیمتر است. ارتفاع باقیمانده از میل بلوچان ۵/۵ متر و مصالح ساخت آن خشتهایی با ابعاد $۳۹ \times ۳۹ \times ۱۰$ سانتیمتر است. قلعه شکرو دارای نقشه‌ی مربع شکل با طول هر ضلع بیست متر و چهار برج در چهار گوشه است. مصالح ساخت این بنا عمدتاً خشتهایی با ابعاد ۲۴×۲۳ سانتیمتر است. در گوشه‌هایی از آن خشتهایی با ابعاد ۴۳ سانتیمتر نیز دیده می‌شود که همزمانی آن را با میلهای مزبور محتمل می‌سازد. اصطخری مینویسد: رأس الماء چشمه‌ی است که در برکه‌ی جمع می‌شود و از آن برکه بیرون می‌آید و در بیابان پهن می‌شود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۴۹). سرآب (رأس الماء) چشمه‌ی دارد که به حوضی میریزد و کشتزاری را آبیاری می‌کند. کاروانسرا و نگهبان نیز دارد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۸). این مکان و میلهای مزبور که به فاصله‌ی اندکی از هم قرار گرفته‌اند، چهارراه و محل تلاقی راه نرماشیر و دارستان به خراسان (راه نو)، راه سیستان، راه ریگان و بلوچستان و راه بم است که با انشعابی به راههای فارس می‌پیوندد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۷۱-۷۲).



تصویر ۲) بقایای قلعه شکرو. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴
تصویر ۳) دورنمای میل رحیم داد. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

مستوفی که در دهه چهل و پنجاه هجری شمسی به مطالعه مسیرهای کویر پرداخته در اینباره مینویسد: سه منطقه طبیعی در اطراف دشت لوت از زمانهای کهن، مکان زندگی بوده‌اند. در حاشیه جنوبی فهرج، نرماشیر و ریگان، در حاشیه غربی شهداد و تکاب و در حاشیه شمالی نه و خوسف و خور و نایبند است. محل فهرج از لحاظ موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب و آخرین پایگاه انسان در عبور از بیابان است. راههای ارتباطی جنوب به شمال و شرق به غرب همگی بناچار از فهرج عبور مینمودند (همان: ۷۳). از میان راههای منشعب شده از فهرج، شاهراه کرمان به سیستان از اهمیت ویژه‌ی برخوردار بوده؛ چنانکه تاکنون نیز ارتباط ایالات مرکزی با مشرق و جنوب شرق

از راه معروف بم-زاهدان است. این راه از بم به نصرت‌آباد، به راه اسپبی موسوم است. براساس متون تاریخی و آثار باستان‌شناسی، ارتباط ایران داخلی با سند و هند از این طریق بوده است (همان: ۳۲۹). ارتباط امپراتوری هخامنشی با ولایت شرقی از این طریق بوده است؛ چنانکه میتوان گفت سفر فرضی کوروش به سند بر فرض درست بودن آن از این مسیر بوده است. نبردهای اردشیر با سگزیان و رفتن وی به سیستان از همین مسیر بوده و مسلمانان نیز پس از فتح کرمان از این راه سیستان را فتح کرده‌اند (همان: ۳۳۰).

سایکس درباره توقف سپاه اسکندر در پورا مینویسد: دو روستای بلوچستان هم اکنون به این اسم نامیده میشوند. یکی در حوالی بمپور و دیگری در حوالی نرماشیر است. وی هر دو مکان را به احتمالی برابر محل توقف شصت روزه سپاه اسکندر میداند. اگر احتمال ندهیم فهرج واقع در نرماشیر همان ایستگاه قوای اسکندر بوده، آنگاه بایستی از شهر بم که از مدتها به اینطرف شهرستانی معروف و کرسی‌نشین محل بوده صرف‌نظر نماییم و این عادی نخواهد بود. در میان نرماشیر و سیستان بیابانی است که چون رشته جبالی آن را قطع میکند، فقط یک گذار دارد که محاذی اسپبی (نصرت‌آباد) واقع شده، از اینرو ناچار میتوان گفت این گذار محل عبور کراتروس، سردار اسکندر، بوده است. فهرج واقع در نرماشیر نخستین مکانی است که کراتروس پس از ۱۸۰ میل راهپیمایی به آنجا رسیده است (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۰۴-۲۰۵).

این گذرگاه همان معبر تاریخی است که در بند سیستان یا به غلط در بند نادر ثبت شده است و علت اهمیت آن وضعیت ناھمواریهای شرق ایران است که بناچار ارتباط کرمان با سیستان و بلوچستان را از این راه میسر میساخته است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۱). شناسایی محوطه‌های وسیعی از دوره هخامنشی در شهرستان فهرج از جمله محوطه مهدی‌آباد علیا و قلعه دختر ماهیدشت (فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴: ۷۶۱-۷۲۶) میتواند تأییدی بر صحت ادعای سایکس باشد. همچنین، باستانی پاریزی محل توقف سپاه اسکندر را همان روستای براء یا بروات در ده کیلومتری شرق شهر بم میداند که با پوره، پهره و فهرج هم‌ریشه است (خبیصی، ۱۳۸۶: ۵). شناسایی محوطه گسل بم- بروات با آثاری وسیع از دوره هخامنشی، توسط مرحوم عدل در سال ۱۳۸۴ میتواند تأییدی بر صحت این ادعا باشد (عدل، ۱۳۸۵: ۶۳-۷۰).

نصرت‌آباد حالیه که بلوچها هنوز آن را اسپبی یا اسفی مینامند، از نقاط مهم حاشیه کویر در باریکترین نقطه کویر بین نرماشیر و زرنج واقع است که همه راههای کویر از باختر به خاور از آن میگذرد (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۹). مقدسی آن را اسفید و سبج آورده و از نواحی سیستان می‌شمرد.

اصطخری و ابن حوقل آن بصورت سنیج و سیج آورده و از نواحی کرمان شمرده‌اند. از نرماشیر به سنیج پنج منزل و از سنیج تا زرنج هفت منزل است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۵۰). دلیل وجه تسمیه این مکان به اسپه بدرستی معلوم نیست. اسپه از شهرهای بسیار قدیمی ایران بوده و در آثار جغرافیایی به صورت اسپه، اسپید، اصفه، سانج و سانیک ثبت شده است. موقعیت جغرافیایی اسپه در بزرگراه شرق و بعد از تنگه معروف سیستان از لحاظ ارتباط در دنیای قدیم قابل توجه است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۹؛ یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۸۳-۱۸۴). اسپه در مسیر فوق، یادآور کلمه آریاسپی است. اقوام آریاسپی در زمان هخامنشی در منطقه شرقی دشت لوت و در جنوب سیستان در پیچ بزرگ هیرمند و گود زره و در مغرب آراخوزیا مسکن داشتند (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳). زمانی که کوروش در لشکرکشی خود به سکاها دچار کمبود آذوقه شد، مردم زرنج سی هزار بار غله به او کمک کردند (علایی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۱۵). لقب این قوم «اورگت» بمعنی «یاری‌دهنده» بود که هرودت آن را اورسانگا مینویسد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳). این کلمه نیز بیشباهت به نامهای سانیک و سانج یا سانگ نمیشاید. مکان اسپه، همچنین نامهای مختلف این مکان و نام و القاب اقوام آریاسپی تشابهاتی را با یکدیگر نشان میدهد. بنابراین لازم است تا در مطالعه مکان اقوام آریاسپی تأملی نیز در اینباره صورت گیرد.

آرین درباره لشکرکشی کوروش مینویسد: این لشکرکشیها بسیار پرهزینه بود و کوروش در این بیابان بخشی از سپاه خود را از دست داد. مردمی که در برابر او ایستادگی کردند جز گله‌های بز و چادرهای مختصر نداشتند. چنانکه گفته آرین را بپذیریم، سفر کوروش به نواحی شرقی از بیابان گرگ و در بند سیستان (اسپی) بوده است (همان: ۳۴۰).

راه کرمان به آراخوزیا شامل بخش جنوب شرقی کویر مرکزی میشود. در سال ۵۲۲-۵۲۱ ق.م اهمیت سوق‌الجیشی بسیار زیاد این مسیر به اثبات رسیده بود. حملهٔ جسورانهٔ سپاه فرستاده «وه یزداته» شورشگر یاوثیه‌یی از پارس به حوضهٔ رود کابل، از راه جنوب شرقی صورت گرفت (توین‌بی، ۱۳۷۸: ۸۰). تنوع ممالک هخامنشی که الواح از آن نام میبرند، حاکی از آن است که پایتختهای امپراتوری از طریق راهها با مجموعه ولایات در ارتباط بوده‌اند. در جنوب و از سرزمین فارس، جاده هرخواستیش به (قندهار) و گنداره (منطقه کابل) امتداد مییافت و از طریق راههای دیگر به باختر (بلخ) و دره سند و هندوستان میرسید. جادهٔ شمال و جادهٔ جنوب بوسیله یک جاده عرضی به هم میپیوست و این جاده که کوروش و بعد اسکندر آن را پیمود از طریق اریه (هرات-ارت کوانا) به زرنج (درنژین)، حوضه هیرمند و سرزمین آریاسپها) و قندهار میرسد. از قندهار مسیر

دیگری از طریق گردنه بولان به رودخانه سند در هندوستان امتداد مییافت. در ۳۲۵ ق.م کراتروس از این مسیر عبور نمود (بریان، ۱۳۷۷: ۷۵۳-۷۵۴). یارشاطر درباره راههای سیستان در این دوره مینویسد: هرکس با خارج شدن از زرنگ سه راه در پیش داشت: اگر در جهت جنوب غرب راه می‌افتاد، با گذشتن از بیابان از طریق اسپید (اسپی، سنیک) به پهرگ میرسید. در جهت شمال شرق جاده بامیان قرار داشت. این راه از طریق خاش (کوساته، کاسته) بسوی رود خاش پیش میرفت. (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۸۳). بنابراین فهرج و اسپی، سر راه مسیرهای ارتباطی سرزمینهای شرقی امپراطوری هخامنشی قرار داشتند. آراخوزیه (که شهر مهم آن قندهار، مهمترین سرزمین شرقی هخامنشی است)، اریه (هرات)، گنداره (کابل)، درنگینه و مکه، همگی از ساتراپی چهاردهم دارا بوده‌اند. این مسیر از زمان هخامنشی تاکنون مورد استفاده بوده و تنها رونق تجاری و نظامی آن است که در هر دوره با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تفاوت نموده است. شاهدی گویاتر بر این مدعا وصیتنامه شاه شجاع است. در وصیتنامه شاه شجاع (۷۷۷ ه.ق) به سلطان احمد آمده است: «در سرزمین کرمان سه شهر است بم، بردسیر و سیرجان. به خاطر داشته باش که اگر شهر بم آباد و معمور باشد و آن دو خراب این شهرها آباد میگردد، اما اگر آن دو شهر آباد باشند و بم خراب، آن دو را آباد نتوان کرد، زیرا شهر بم سرحد هند و سیستان و خراسان و کابل است...» (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۰: ۳۶۷).

مطالب فوق، اهمیت فهرج را در عبور راهها از منظر متون و منابع مورد بررسی قرار میدهد و اما مطالعات میدانی باستان‌شناسی نیز در راستای تأیید صحت مطالب مذکور میباشد.



تصویر ۴) جاده سنگفرش باستانی فهرج- سیستان. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

جاده (سنگفرش) باستانی حاشیه محور فهرج - سیستان^۱

سالمترین بخش از این جاده در ۴۱ کیلومتری فهرج، در ده کیلومتری میل نادری، در طول جغرافیایی ۷۲۱۹۱۲، عرض جغرافیایی ۳۲۲۱۷۲۹ و ارتفاع ۴۴۹ متر از سطح دریا قرار دارد. حدود پانزده کیلومتر از این جاده در شعاع ۳۰ متری از دو سوی جاده دو محوره بم-زاهدان دیده میشود. قسمتهای باقیمانده از جاده سنگفرش در برخی قسمتها بموازات جاده کنونی، در برخی قسمتهای در تقاطع با جاده کنونی و در قسمتهایی در حد فاصل دو محور بم-زاهدان کشیده شده است. این جاده دارای زیرسازی میباشد و پهنای آن چهار متر است و با قلوه سنگهایی به رنگ سیاه و قرمز فرش شده است. در لبه جاده و در وسط آن قلوه سنگهای بزرگتر با نظم بیشتر در کنار یکدیگر قرار گرفته و حاشیهای ایجاد نموده است. قسمت میانی جاده بصورت خطی برجسته تر درآمده و جاده را به دو قسمت مساوی تقسیم نموده است. این خط و حاشیهای ایجاد شده در لبه جاده از استحکام بیشتری برخوردارند (تصویر ۴). قسمتهایی از جاده در کنار پاسگاه انتظامی بم-کهورک (شورگز)، قرار دارد. این جاده در ادامه وارد منطقه سیستان میشود. قسمتهایی از جاده از روی پشته عبور میکند. در بعضی قسمتها بنظر میرسد که گودالی در اطراف جاده حفر نموده‌اند. عبور فیبر نوری، باعث تخریب قسمتهایی از این جاده باستانی گردیده است. امتداد جاده بسوی سیستان از طریق تصاویر هوایی پیگیری شد و حدود چهل کیلومتر از مسیر بر روی تصاویر ۵ مشخص گردید.

جاده مزبور، بدون شک، خطسیر تاریخی بم و فهرج به سیستان را نشان میدهد که ذکر آن گذشت. منابع تاریخی حاکی از آن است که این جاده احتمالاً در طول دوران دراز مدت عمر خود بارها مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته است. بیشترین شواهد باستان‌شناسی مسیر، مربوط به دوره ساسانی تا قرون میانه اسلامی است. این آثار از فهرج بسمت سیستان عبارتند از: قلعه فهرج که در حاشیه جنوبی رودخانه فهرج و جاده بم-زاهدان و بر روی تلی از گل رس (کلوت) قرار دارد. پلان قلعه چهارگوش با برجهایی در گوشه و خندقی در اطراف است. در بدنه تپه (کلوت)، فضاهایی کنده‌اند که دارای دهانه و دریچه‌هایی رو به بیرون است. این قلعه بخش

۱. جاده سنگفرش باستانی فهرج به سیستان که بر اثر طوفان شن نمایان شده بود، برای نخستین بار توسط کارکنان اداره راه و ترابری شهرستان فهرج در بهمن ۱۳۹۴ هـ.ش شناسایی و به اینجانب اطلاع داده شد. گزارش مستندنگاری جاده توسط اینجانب در اسفند ۱۳۹۴ هـ.ش تحویل مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بم گردید و مطلبی در اینباره در ۱۳۹۵/۵/۱۰ در هفته‌نامهٔ کیمیای شرق و روزنامهٔ پیام ما منتشر گردید. (کلیهٔ اخبار منتشر شده در اینباره، مربوط به بعد از این تاریخ است).

مرکزی مجموعه‌یی وسیعتر است. اگرچه وضعیت بناهایی کنونی سطح و اطراف قلعه مربوط به دوران متأخر اسلامی است، اما پلان کلی بنا، دست‌کننده‌ها و بقایای سازه‌یی از خشتهای بزرگ با ابعاد ۴۳ سانتیمتر در سطح قلعه و آثار برج مکعبی شکل در گوشه جنوب شرقی نشان میدهد که اساس این قلعه مربوط به دوره‌های تاریخی است. در امتداد بسمت شرق قلعه سنگی قرار دارد. این قلعه بر روی صخره‌یی آذرین بنا شده است. مصالح ساخت آن، قلوه سنگ و خشتهایی با ابعاد ۴۳ سانتیمتر است.

سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه مربوط به دوره ساسانی است. محوطه موسوم به شاه مردان با وسعتی بالغ بر پانصد هکتار در امتداد شرقی حاشیه جاده قرار دارد. عمده آثار این محوطه مربوط به دوره ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی بخصوص سفالینه‌های دوره آل‌بویه و سلجوقی بنظر میرسد. در قسمتهای شرقی محوطه، بقایای مجموعه‌یی از سازه‌های سنگی دیده میشود. در ساخت این سازه‌ها ترکیبی از قلوه سنگهای قرمز و سیاه بکار رفته است. این مصالح و ترکیب دقیقاً مشابه جاده سنگفرش باستانی مذکور است. در گوشه‌های غربی، محوطه قطعات سفالینه‌های قلم مشکی و بصورت انگشت‌شمار قطعات سفالینه‌های آبی- سفید پراکنده است. بقایای قلعه شاه مردان با آثاری از دوره ساسانی تا دوره صفوی، بر روی تپه‌یی در گوشه شمال غربی محوطه قرار دارد. در ادامه این محوطه بسوی شرق نیز بقایای قلعه و محوطه‌یی وسیع دیگری با وسعت صد هکتار، از دوره ساسانی تا قرن پنجم هجری، قرار دارد. قلعه چشمه در ادامه این مسیر قرار دارد.

مصالح برجا مانده از این بنا، خشته‌ها و آجرهای نازکی هستند که بیشتر در بناهای مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری دیده میشوند (فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴). در ادامه میل نادری از ساخته‌های ملک قاورود سلجوقی، قرار دارد. بقایای بناهای موسوم به حمام نادر در تنگه موسوم به دربند نادر، از آثار ملک قاورود است. محمد ابراهیم خییسی که همزمان با گنجعلی خان زیگ میزیسته و از مسافران این راه بوده، از بناهای قاورودی اسم میبرد. اما برغم فعالیت‌های عمرانی گنجعلی خان در کرمان، نه محمد ابراهیم و نه هیچ مسافر دیگری اشاره‌یی به وجود بناهای نو در راه نمیکنند. ممکن است قلاع خرابه فهرج و آب‌انبارهای بین اسپ و فهرج که هم اکنون نابود شده‌اند، از دوره صفوی و ساخته‌های گنجعلی خان باشند. از اوایل سده دهم هجری گروهی از غارتگران جدید (اوزبکان و افغانه) در دشت لوت شکل گرفتند که تا گذشته‌یی نه چندان دور این مکان را مورد تاخت و تاز و ناامنی قرار دادند

(مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۸، ۱۳۱، ۱۲۸). شواهد باستان‌شناسی مسیر، در قرون متأخر اسلامی، اندک و تنها محدود به تعدادی انگشت‌شمار قطعات سفالینه آبی-سفید و قلعه فهرج است که در واقع در این زمان محل سکونت مردم فهرج بوده است. اگرچه این مسیر خواه ناخواه مسیر ارتباطی کرمان به سیستان بوده، اما بنظر میرسد در دوره صفوی دارای رونق زیادی نبوده است. دلیل این موضوع میتواند ناامنیهای موجود باشد. آخرین دوره تعمیرات جاده سنگفرش متعلق به دوران پهلوی اول است که قدمای منطقه آن را بخاطر دارند. در مکان موسوم به ایستگاه بم-کهورک، سند ساخت جاده بم-کهورک بصورت لوح یادبود سنگی قرار دارد. این لوح حاکی از ساخت جاده بم-کهورک در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ توسط شرکت ساختمانی آسودان است (فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴: ۱۱۱۱-۱۱۲۰).



تصویر ۵) خط‌سیر جاده سنگفرش باستانی فهرج-سیستان. منبع: Google earth. مکان‌یابی: نگارندگان

سیمای تاریخی بخش نگین کویر فهرج

بخش نگین کویر فهرج، شامل نیمه جنوبی شهرستان فهرج است. این بخش تا پیش از تقسیمات دهه اخیر، چاهدگال (چاه دغال) نام داشت و از سوی جنوب با شهرستان ریگان و از سوی شرق با بیابان لوت در سیستان هم مرز است. مطالعات اخیر باستان‌شناسی در این بخش حاکی از غنای تاریخی آن است. قدمت آثار شناسایی شده از دوره هخامنشی تا قرون متأخر اسلامی متغیر است. در این مبحث به ترسیم سیمای بخش نگین کویر در دوران تاریخی می‌پردازیم.

محوطه مهدی‌آباد اولیاء(علیا)

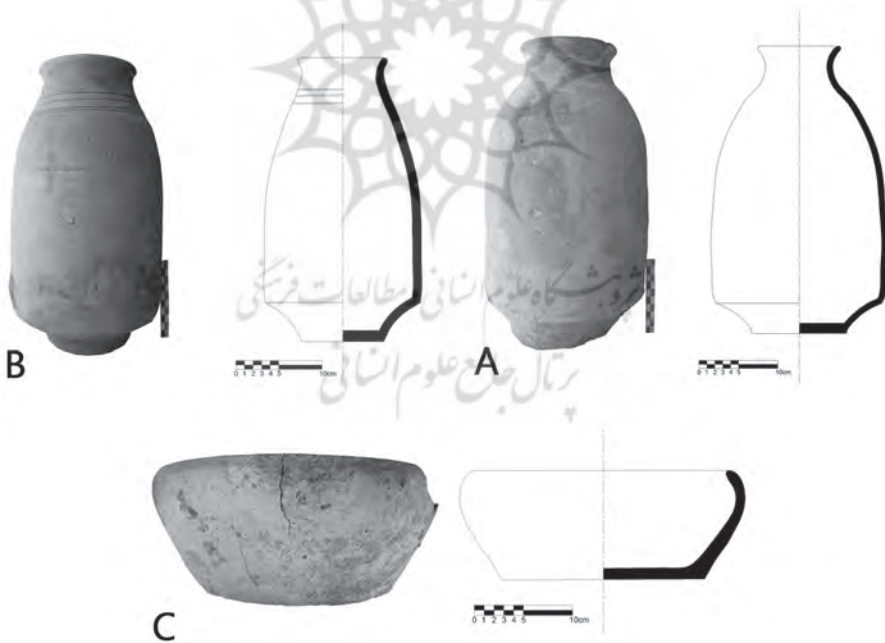
آثار و بقایای باستانی در محوطه‌ای به وسعت بیش از چهارصد هکتار پراکنده است. این محوطه بزرگترین محوطهٔ هخامنشی شناخته شده در مطالعات بود (فاضل، ۱۳۹۳: ۲۴۱). قسمت عمده این محوطه در روستای مهدی‌آباد علیا (شمال شرق محوطه) از توابع شهرستان ریگان و بخشی از آن در روستای قادر آباد (شمال غرب محوطه) از توابع بخش نگین کویر، شهرستان فهرج قرار دارد. رودخانهٔ فصلی بند نسا با شاخه‌های متعدد از این محوطه عبور میکند (نقشه ۲). شاخص‌ترین آثار این محوطه عبارتند از:

گورستان با گورهای چاله‌ای

در دو سوی حاشیه شاخه‌یی از رودخانهٔ فصلی بند نسا، در طول جغرافیایی ۶۹۹۴۵۷، عرض ۳۱۸۳۱۶۲ و ارتفاع ۶۰۸ متر از سطح آبهای آزاد قرار دارد. وسعت گورستان در حدود پنج هکتار است. این گورستان در میان اهالی شناخته شده و به گورستان گبری مشهور است. (نقشه ۲: نقطه ۱۶۰). سطح گورها را با خاک قرمز رنگ متراکمی (گل اخری) پوشانده‌اند. کف رودخانه بدلیل رسوب گرفتنی، با زمینهای حاشیه جنوبی هم‌سطح شده است. این موضوع باعث تخریب تعدادی از گورها، در اثر هر سیلاب می‌شود (فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴: ۱۱۳۸). در اسفند ۱۳۹۵ تعدادی دیگر از این گورها بر اثر طغیان آب رودخانه تخریب و تعداد زیادی ظروف سفالی سالم و شکسته شامل: کاسه، کوزه، پیاله، دیگ، خمره،... و حلقه‌های مفرغی (بازوبند و دست بند) از آن بدست آمد که مشابه نمونه‌های بدست آمده از پاسارگاد است (استروناخ، ۱۳۷۹: ۳۰۲؛ شکل ۹۷، طرح ۱۸). حلقه‌هایی به این شکل در دست هیأت نمایندگان سغد و خوارزم بر پلکان شرقی آپادانا دیده میشود. نگاره‌یی از سنگ آهک، از مصر، زنی را در جامه ایرانی نشان میدهد. در دست چپ زن، دستبندی مشابه حلقه‌های فوق است (کخ، ۱۳۸۳: ۱۲۶ و ۲۸۰). گورها اغلب مستطیل شکل و دارای ابعاد متفاوت و عمق بین ۶۰ تا ۸۰ سانتیمترند. ابعاد تعدادی از گورها عبارت است از: ۹۰×۱۱۲۰ ، ۹۵×۱۳۰ ، ۱۱۰×۱۶۰ ، ۹۰×۱۴۰ ، ۷۰×۸۵ . فاصله گورها از یکدیگر در قسمتهای قابل تشخیص (جنوب شرقی گورستان) بین $۳/۵$ تا ۴ متر است. تشخیص نحوهٔ تدفین در این گورستان مستلزم انجام کاوشهای باستانشناسی است. ظروف سفالی سالم، بدلیل آب شستگی، در سطح گورها نمایان است (تصویر ۶ و ۱۰). اندازهٔ ظروف در سطح گورهای بزرگتر، بزرگ و در سطح گورهای کوچکتر بالعکس بنظر میرسد.



تصویر ۶) نمونه سفالینه‌ها و حلقه‌های مفرغی بدست آمده از گورهای چاله‌یی مهدی آباد. منبع: نگارندگان



تصویر ۷) نمونه سفالینه‌های بدست آمده از گورهای چاله‌یی مهدی آباد. منبع: نگارندگان.
A و B: (گاهنگاری نسبی: هخامنشی، منبع مقایسه: Genito, 1990, fig: 7)
C: (گاهنگاری نسبی: هخامنشی، منبع مقایسه: استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۰۹: ۳ و ۱۶).

گور خمره

در حاشیه شاخه‌یی دیگر از رودخانه بند نسا، در طول جغرافیایی ۶۹۸۸۲۲، عرض جغرافیایی ۳۱۸۲۷۱۴ و ارتفاع ۵۹۱ متر از سطح آبهای آزاد، تپه‌های پهن و کم‌ارتفاعی دیده میشود (نقشه ۲: نقطه ۱۶۲). در سطح این تپه‌ها، انبوه سفالینه در اطراف گودالهایی است که کاوش غیرمجاز شده‌اند. اغلب قطعات، ضخیم و مربوط به خمره‌های بزرگ است. در میان سفالینه‌ها قطعات کوچک استخوان انسانی نیز وجود دارد. شواهد موجود و تحقیقات محلی، وجود تدفینهای خمره‌یی را در این مکان نشان میدهد. یافته‌های بسیاری حاکی از آن است که ایرانیان در عصر هخامنشی مردگان را دفن میکردند. در بخشهای زیادی از شاهنشاهی ایران معمول بود که مردگان را کف خانه‌ها دفن میکردند. شیوه ساده تدفین، پیچیدن مرده در کفن و خاک کردن آن بود. نوع تجملیتر این بود که مرده را در کندوی گلی ذخیره آذوقه جای میدادند و سپس در گودالی میگذاشتند. بنظر میرسد برای این کار، از کندوهای شکسته و گاه لب پریده استفاده میکردند. برای کودکان خردسال از تشت و لگن و خمره‌های گلی استفاده میکردند و افراد مرفه‌تر امکان استفاده از تابوت داشتند (کخ، ۱۳۸۳: ۳۳۳-۳۳۴). در سطح محوطه همه جا آثار سازه‌های خشتی و سفالینه پراکنده است. در مکانی از محوطه، حفاریهای غیرمجاز و آب شستگی باعث خروج سفالینه به میزان قابل توجه و آثار سازه‌های خشتی شده است (تصویر ۱۱).



تصویر ۹) نمونه سفالینه‌های محوطه تلمبه سجاد.
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴



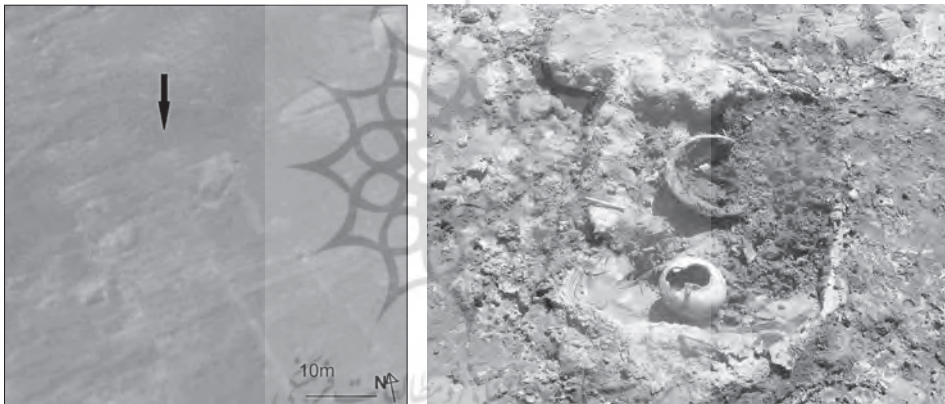
تصویر ۸) پراکنش سفالینه در سطح محوطه مهدی آباد.
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

(گاهنگاری نسبی: هخامنشی، منبع مقایسه: Karlovsky: 1970, fig: 8.B)

در قسمتهایی از محوطه، کانالهایی توسط افراد بومی بدلائیل مختلف حفر شده است. در بدنه کانالها (در برش ایجاد شده) آثار سازه‌های خشتی و در مواردی آثار کوره با بدنه‌یی از خشت

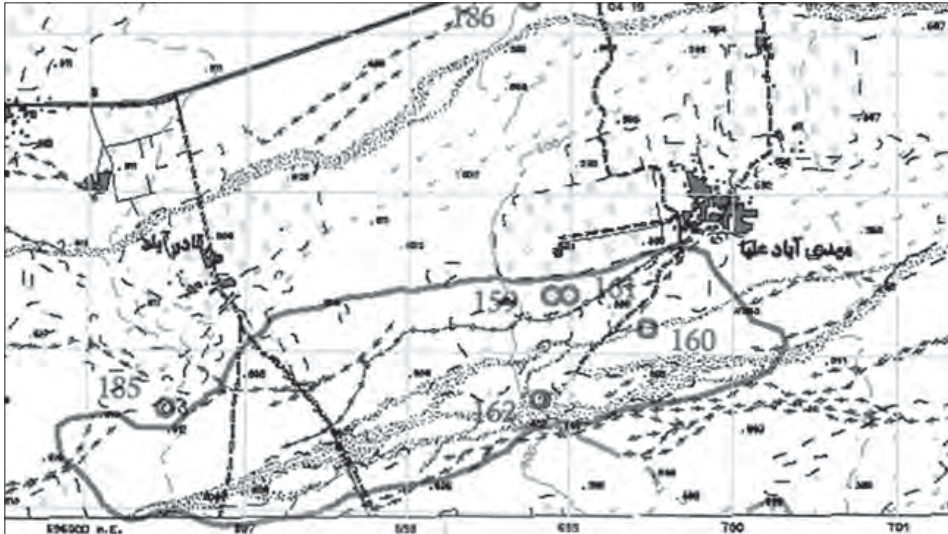
دیده میشود. خشتها مربع شکل با ابعاد ۳۸-۳۹ سانتیمتر و ضخامت ۹ سانتیمتر و یا ۵۰ سانتیمتر با ضخامت ۱۲ تا ۱۳ سانتیمتر است. در برخی موارد خشتها مستطیل شکل با ابعاد ۲۰×۵۰ و ضخامت ۱۲ سانتیمتر است. پشته‌های سه رشته قنات در محوطه کشیده شده است. قنات مهدی آباد تا یک دهه قبل دایر و پر آب بوده است.

آثار هخامنشی محدود به محوطه مهدی آباد نبوده و در سایر نقاط پراکنده‌اند. در زمینهای کشاورزی شمال روستای مهدی آباد موسوم به تلمبه سجاد و در حاشیه جاده آسفالته فهرج به نگین کویر، بقایای بناهایی خشتی دیده میشود. خشتها مربع شکل با ابعاد ۳۳-۳۴ سانتیمتر است و ابعاد آنها قابل مقایسه با معماری هخامنشی در دیگر نقاط است (کخ، ۱۳۸۳: ۱۹۰)، بعنوان نمونه، آجرهایی با این ابعاد در لایه‌های هخامنشی تل آجری و راه‌پله‌ها و درگاه تخت جمشید نیز دیده میشود (امامی، ۱۳۹۳: ۱۷).



تصویر ۱۰) نمونه‌یی از گورهای چالهایی بعد از طغیان آب رودخانه. (تصویر ۱۱) بقایای بنای هخامنشی (احتمالاً کاخ) در محوطه مهدی آباد؛ نقشه: تالار مربع مرکزی به طول هر ضلع ۲۷ متر با احتمال وجود ایوانها و اتاقهایی در پیرامون، طول ضلع بیرونی ۳۳-۳۴ متر (منبع: نگارندگان، Google earth، مکان‌یابی: نگارندگان)

انبوه سفالینه در برخی قسمت‌های محوطه قابل توجه است. سفالینه‌ها و مواد فرهنگی موجود، قابل مقایسه با آثار هخامنشی در سایر نقاط از جمله محوطه‌های هخامنشی سیستان و بلوچستان، سفالینه‌های هخامنشی حوزه فارس و دیگر نقاط است. برخی فرمهای شناسایی شده در این محوطه بلحاظ ریخت‌شناسی قابل مقایسه با سفالینه‌های عصر آهن III بوده و تداوم ساخت برخی اشکال تا دوره اشکانی نیز دیده میشود (تصویر ۶ تا ۱۲، جدول ۱، طرح ۱-۱۶).



نقشه ۲) بلوک ۱۱۰ (فهرج) / (اسماعیل آباد ۱۷۷۸۴۷) - سازمان نقشه‌برداری کشور - ۱۳۸۰ - مکان‌نمایی محوطه مهدی‌آباد - مقیاس ۱/۲۵۰۰۰

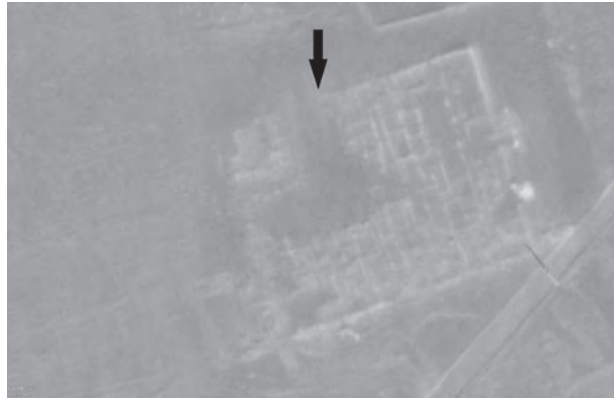
محوطه چاه ریگان

آثار تاریخی موجود در این محوطه در مساحتی بیش از شش هزار هکتار پراکنده است. این محوطه بزرگترین محوطه تاریخی شناخته شده در حوزه منظر فرهنگی بم است. عمده آثار موجود آن، مربوط به دوره ساسانی و احتمالاً پارتی است. در گوشه‌هایی از محوطه، آثاری از قرون اولیه اسلامی تا قرن پنجم هجری نیز دیده می‌شود. این محوطه قسمتهایی از روستاهای حسین‌آباد خدابنده، سه‌کهور، پیروزآباد، امیرآباد و چاه ریگان را در بر می‌گیرد (نقشه ۴). چشم‌انداز کلی محوطه، تپه‌های شنی مرتفع و کوتاه، جنگل انبوه و تنک از درختان گز و کهور، پشته قناتهای بایر با قطعات نای، تلهای باستانی و بقایای بناهای تاریخی، ریگزارهای مسطح با پراکنش قطعات سفالینه و خانه‌های گلی روستایی است. آثار شاخص این محوطه وسیع، عبارتند از:

بنای شماره ۱: بنایی با ابعاد ۶۰×۱۰۰ متر است. بقایای این بنا در محوطه بصورت تلی با ارتفاع ۱/۵ متر دیده می‌شود. ضخامت جرز بیرونی بنا حدود دو متر است. فضاها پوشیده از شن و تشخیص نقشه آن از طریق تصاویر هوایی ممکن شد (تصویر ۱۲). ابعاد خشتهای بنا ۳۷-۴۰ سانتیمتر است. این بنا در قسمت ساسانی محوطه واقع شده و کلیه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه از این دوره است (تصویر ۱۳). ابعاد و ساختار بنا حاکی از اهمیت آن در زمان حیات است. این بنا احتمالاً بنایی حکومتی یا کاروانسرای وسیع از دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی بوده است.

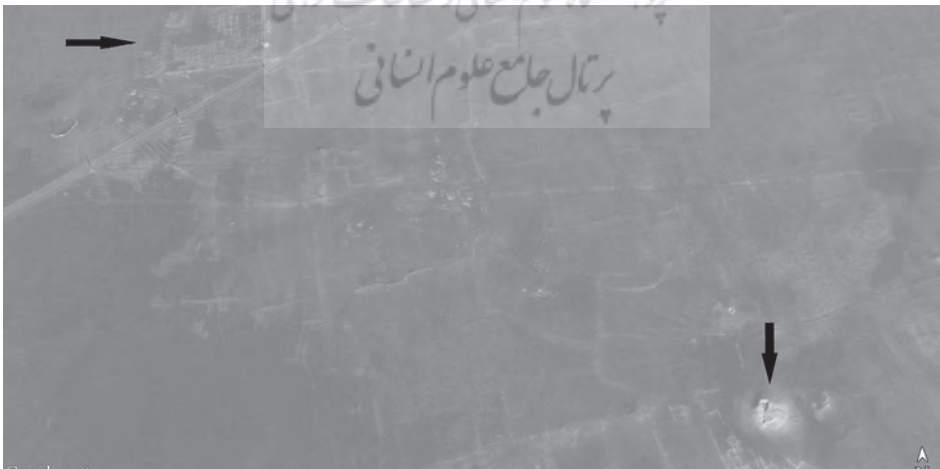


تصویر ۱۳) نمونه سفالینه ساختمان شماره ۱. منبع: نگارندگان



تصویر ۱۲) مکان‌نمایی بنای شماره ۱ چاه ریگان. منبع: Google earth. مکان‌یابی: نگارندگان

تل شماره ۱: در فاصله پانصد متری از جنوب شرق بنای مذکور، تلی با ارتفاع شش متر از سطح زمینهای اطراف قرار دارد. در بخش مرکزی تپه، گودالی عمیق توسط حفاران قاچاق کنده شده است. در برش ایجاد شده، آثار سازه‌های خشتی دیده میشود. ابعاد این خشتها $10 \times 40 \times 40$ سانتیمتر است. پیرامون این تپه، بقایای کوره‌های سفال‌پزی بصورت تپه‌های کوچک و کم‌ارتفاعی است که تراکم سفالینه و جوش کوره بر سطح آنها مشاهده میشود. این تپه و بنای شماره ۱، قسمتهایی از یک مجموعه وسیع‌ترند. آثار این مجموعه بصورت تنها نقشه‌یی در اطراف این بناها دیده میشود. (تصویر ۱۴) آثاری دیگر از محوطه در آبادی امیرآباد چاه ریگان دیده میشود. در این قسمت از محوطه علاوه بر سازه‌های خشتی، سنگ شیشه نیز به وفور یافت میشود.



تصویر ۱۴) مکان‌نمایی بنای شماره ۱ و تل شماره ۱ چاه ریگان. منبع: Google earth. مکان‌یابی: نگارندگان

تل قلعه چاه ریگان: تقریباً در مرکز محوطه، در طول جغرافیایی ۷۰۲۶۶۶، عرض ۳۱۹۱۴۰۵ و ارتفاع ۵۷۱ متر از سطح دریا قرار دارد. این تل بشکل مخروطی با قاعده و سطح مربع شکل است. طول هر ضلع مربع در سطح تپه، حدود سی متر است.



تصویر ۱۵) دورنمای تل قلعه چاه ریگان. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

ضلع غربی تپه تخریب و از ارتفاع آن کاسته شده است. ضلع شرقی همچنان سالم و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف در حدود هفت متر است (تصویر ۱۷). پراکنش سفالینه بخصوص در اطراف گودالهایی که کاوش غیرمجاز شده‌اند، چشمگیر است.

تل قلعه کهنه پیروزآباد: در شمال روستای پیروزآباد و جنوب شرق محوطه، در طول جغرافیایی ۷۰۵۴۶۵، عرض ۳۱۸۸۲۴۷ و ارتفاع ۵۷۴ متر از سطح دریا واقع شده است. ارتفاع تپه از سطح زمینهای اطراف تقریباً چهار متر است. در سطح این تپه بقایای بنایی از خشت وجود دارد که انباشته از شن است. اهالی روستا بخشی از فضاها را از شن و آوار خالی کرده‌اند (تصویر ۱۶).

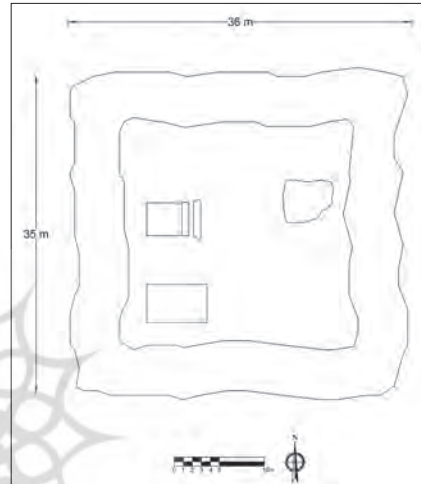
مصالح ساخت بنا، خشتهایی با ابعاد ۱۰-۹×۴۰×۴۰ سانتیمتر است. در دیوار یکی از فضاها، حفره‌هایی با ابعاد ۳۰×۳۰ سانتیمتر و عمق اندک تعبیه شده است. فاصله این فرورفتگیها از یکدیگر چهل سانتیمتر است. میزان پراکنش قلوه سنگهای سیاه آذرین و سفالینه در سطح محوطه قابل توجه است.

تل شمال روستای مهدی‌آباد علیا: در طول جغرافیایی ۷۰۰۱۲۸، عرض جغرافیایی ۳۱۸۷۰۱۶ و ارتفاع ۶۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. ارتفاع این تل از سطح زمینهای اطراف نزدیک به ۳/۵ متر است. این تل مربع شکل و دارای ابعاد ۳۶×۳۶ متر است. در سطح تل، آثار یک بنای خشتی دیده میشود. آثار فضایی در گوشه جنوب غربی پیداست که ابعاد آن ۷×۴ متر است. ابعاد

خشته‌های این فضا $۱۰ \times ۳۹ \times ۳۹$ سانتیمتر است. قسمتی از طاق گهواره‌یی یک فضا، با چفد بیز در گوشه‌یی دیگر از تپه معلوم است (نقشه ۳). در سطح تپه و پیرامون آن سفالینه، قلوه سنگ‌های سیاه آذرین، جوش کوره، قطعه‌یی آجر شکسته و تکه‌یی فلز آهن نیز مشاهده میشود. در جنوب این تپه تعدادی گور سنگ‌چین وجود دارد که کاوش غیرمجاز شده‌اند.



تصویر ۱۶) بقایای تل قلعه کهنه پیروزآباد
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴



نقشه ۳) تل شمال روستای مهدی‌آباد
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

قسمتی از محوطه چاه ریگان راه، جهت اجرای طرح بیابان‌زدایی، جوی آب کشیده‌اند. در این مکان، قطعات سفالینه‌های خاکستری پراکنده است. سفالینه‌های پراکنده در سطح قسمتهای مذکور از محوطه، همگی بدون لعاب، قطعات اغلب ضخیم و مربوط به ظروف متوسط و بزرگ و دارای خمیره‌یی به رنگ نخودی، نارنجی، آجری، قرمز و بندرت خاکستری است. چسباننده غالباً مواد کانی است که در قطعات بزرگ با اندازه درشت و تراکم زیاد، سنگینی خاصی به سفال بخشیده است و تزئینات شامل نقوش کنده موج، ناخنی، افقی و نقوش برجسته کمربندی است. واندنبرگ معتقد است که سفال ساسانی بیشتر کاربردی معمولی داشته و اغلب شامل ظروف آشپزخانه، کوزه‌های آب، خمره برای نگهداری مواد غذایی و تنگ‌های گردن بلند و کوتاه به تقلید از ظروف فلزی این دوره است. ظروف سفالی ساسانی دارای گردنی کوتاه و کشیده هستند که بصورت قایم بر گردن قرار گرفته و ضخیم و تخت است (توحیدی، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۰). تزئینات ظروف شامل نقوش کنده هندسی دایره، نقوش کنده ناخنی، موج و زیگزاک و افقی و نقوش برجسته

افقی کمربندی هستند. شکل ظروف اغلب خمیره، کوزه و سبو بوده است. شیوه سفال‌سازی عهد ساسانیان، ادامه سنت دوره اشکانی بوده و تفاوت آن در تولید سفال خاکستری است که در این دوره بندرت دیده میشود (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲). اشکال و نمونه‌های سفالی این محوطه و دیگر محوطه‌های ساسانی منطقه- که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم- از ویژگیهای فوق‌تبعیت نموده و قابل مقایسه با سایر محوطه‌های ساسانی است (جدول ۲- طرح ۱۷ تا ۲۶).

در قسمتهایی از جنوب و غرب محوطه، در طول جغرافیایی ۷۰۲۴۵۴، عرض ۳۱۹۰۱۶۶ و ارتفاع ۵۷۳ متر از سطح دریا، قطعات سفالینه و آثار و بقایای بناهایی وسیعی از قرون اولیه اسلامی گسترده است. قسمت عمده مجموعه در زیر تپه‌های شنی مدفون شده و کاربری مجموعه بدرستی معلوم نیست. ابعاد خشتهای این بناها ۴- ۲۳×۲۳ سانتیمتر است. در سطح محوطه، قطعات سفالینه‌های لعابدار با ویژگی سفالینه‌های قرون اول تا چهارم هجری و سپس قرن پنجم هجری پراکنده است. سفالینه‌ها بلحاظ شکل، قابل مقایسه با محوطه‌هایی از قرن سوم و چهارم هجری در دیگر نقاط هستند (گروبه، ۱۳۸۴). این قطعات اغلب دارای لعاب پاشیده چند رنگ به رنگهای سبز و زرد و قهوه‌ای و لعاب تکرنگ هستند (جدول ۲- طرح ۲۷ تا ۳۱). پشته قناتهای بایر در تمام قسمتهای محوطه که ذکر آنها گذشت، دیده میشود. بیشتر این پشته‌ها بشدت فرسوده‌اند. بگفته‌های اهالی در محوطه چاه ریگان بیش از ۵۲ رشته قنات بایر وجود دارد. در شمال غرب محوطه بقایای جویهای آب قابل مشاهده است که در یک نقطه بصورت سه شاخه درآمده است. در برخی قسمتها تنبوشه‌های سفالی، مسیر عبور کانالهای آب را نشان میدهد. نکته جالب اینکه گاهی این کانالها از میان سازه‌ی خشتی عبور نموده که این امر حاکی از وجود سیستم پیشرفته آبرسانی محوطه چاه ریگان است. رودخانه فصلی بند نسا از جنوب محوطه عبور میکند. در روستاهای سه کهور و پیروزآباد هم اکنون نیز قناتهای پر آبی دایر و مورد استفاده اهالی است. تل قلعه اسلام‌آباد در مجاورت جنوب شرقی این محوطه واقع شده که بشرح آن می‌پردازیم.

قلات اسلام‌آباد

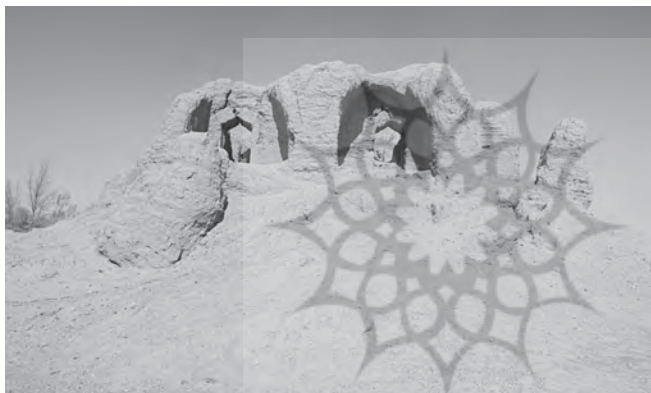
این اثر در روستای اسلام‌آباد در جنوب شرق شهر فهرج، در طول جغرافیایی ۷۰۶۶۱۵، عرض ۳۱۸۶۷۰۶ و ارتفاع ۵۵۰ متر از سطح آبهای آزاد واقع شده است. این بنا بر روی تپه‌ی با ارتفاع ۳/۶۰ متر از سطح زمینهای اطراف قرار دارد. طول و عرض بنا ۱۷/۱۷ متر است. بیشترین ارتفاع باقیمانده از بنا ۲/۵ متر است و نقشه کلی آن مربع‌شکل میباشد. اجزاء اصلی تشکیل‌دهنده این



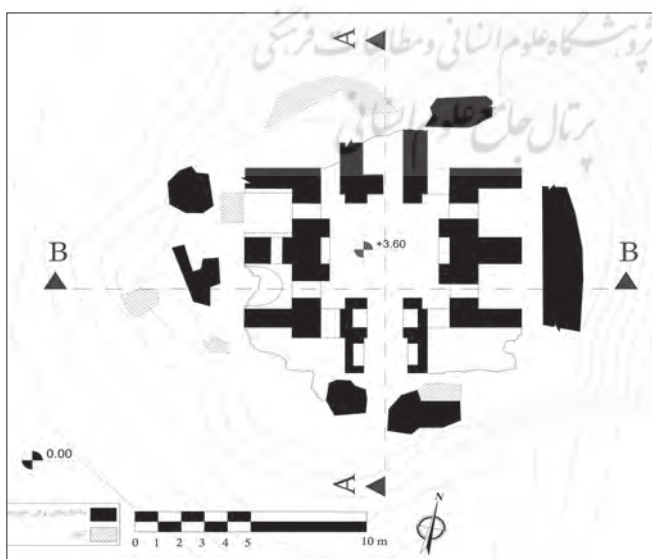
نقشه ۴) بلوک ۱۱۰ (فهرج) / (اسماعیل آباد IV۷۸۴۷) - سازمان نقشه برداری کشور - ۱۳۸۰
مکان‌نمایی محوطه چاه ریگان - مقیاس ۱/۲۵۰۰۰

بنا، اتاقی در مرکز، ایوانهای دوقلو در اضلاع غربی و شرقی، ایوانهایی منفرد در اضلاع جنوبی و شمالی و همچنین چهار فضا در چهار گوشه بناست (نقشه ۵). اتاق مرکزی، مربع‌شکل با ابعاد $۴/۷۰ \times ۴/۷۰$ متر است. در اضلاع شرقی و غربی این تالار دو طاق نما بصورت قرینه ساخته شده است. عمق این طاق‌نماها ۴۰ سانتیمتر و پهنای طاق ۱۳۰ سانتیمتر است. تمام فضاهای پیرامون اتاق مرکزی بوسیله درگاهیهایی به اتاق مرکزی راه دارد. قسمت عمده پوشش این بنا فرو ریخته است. ورودی اصلی اتاق مرکزی در ضلع جنوب قرار دارد. قسمت عمده پوشش این درگاه فرو ریخته و آثار اندکی از پطاق آن بجاست که با طاق‌نمای ضلع شمال، تقریباً قرینه‌اند. آثار بجا مانده نشان میدهد که طاق درگاهیهایی ضلع جنوبی و شمالی اتاق مرکزی نیز مشابه طاق‌نماهای ضلع شرقی و غربی از نوع هلالی و مازه‌دار بوده است. پوشش فضای مرکزی فرو ریخته است. ورودی اصلی بنا نیز در ایوان ضلع جنوبی قرار دارد که به اتاق مرکزی راه مییابد (تصویر ۱۸). پوشش این ایوان نیز تخریب شده است. در دو سوی بدنه ایوان ورودی بنا، دو جفت طاقچه یا طاق‌نما بصورت قرینه تعبیه شده است. نقشه این قسمت از بنا مشابه ایوان ورودی کاخ فیروزآباد است، اما در اندازه و عملکرد متفاوت است. ایوان دیگری در وسط ضلع شمالی و در حالتی نسبتاً

قرینه با ایوان جنوبی ساخته شده است. درگاهی در گوشه انتهایی این ایوان قرار دارد که به اتاق مرکزی راه مییابد. پوشش این ایوان نیز فرو ریخته است. ایوانهای دوقلو از برجسته‌ترین قسمت‌های باقیمانده بناست. این ایوانها بصورت قرینه و در اضلاع شرقی و غربی ساخته شده‌اند (تصویر ۱۷). پهنای دهانه هریک از این ایوانها ۲۴۰ سانتیمتر و عمق آن نزدیک به دو متر است. در انتهای هریک از ایوانهای مزبور درگاهی تعبیه گردیده که به اتاق مرکزی راه مییابد و بصورت قرینه در دو سوی طاق‌نماهای ضلع شرقی و غربی اتاق مرکزی قرار میگیرد. ارتفاع کنونی ایوانها ۲/۵ متر است. پوشش این ایوانها طاق آهنگ است. این طاقها بشیوه ضربی اجرا شده و چفد بکار رفته از نوع بیز تند یا هلوچین تند است. پهنای این درگاهها ۸۲ سانتیمتر و دارای پوششی مثلثی شکل یا سه گوش است.



تصویر ۱۷) نمای غربی
قلات اسلام آباد
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴



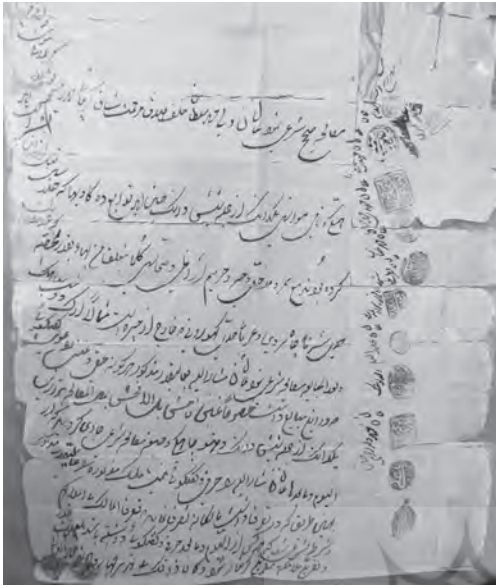
نقشه ۵) قلات اسلام آباد
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

وضعیت فضاهاى چهارگوشه بنا بطور دقیق معلوم نیست. اما دو حالت را میتوان برای آن فرض نمود: این گوشه‌ها، یا به همان شکل که در نقشه آمده بصورت فرو رفته و L وارونه بوده و یا بصورت اتاقهایی مستطیل شکل با طاق آهنگ بوده است. در گوشه قائمه هریک از این فضاها درگاهی تعبیه گردیده که به اتاق مرکزی راه مییابد و در دو سوی درگاههای ضلع شمالی و جنوبی قرار میگیرد. پوشش این درگاهها نیز سه گوش است. قسمتهایی از یک راهرو در ضلع شرقی بنا دیده میشود. پهنای این دهلیز ۹۰ سانتیمتر است. بخشهایی از دیوار بیرونی راهرو همچنان بجاست. این دیوار در طول ضلع شرقی بنا کشیده شده است. بقایای این راهرو در سایر اضلاع نشان میدهد که احتمالاً دهلیزی دور تا دور بنا را فرا میگرفته است. مصالح ساخت بنا خشت است. ابعاد خشتهای این بنا عمدتاً بین ۴۰ - ۴۲ سانتیمتر و ضخامت آن ۹ - ۱۰ سانتیمتر است. ابعاد خشتها در پوشش مثلثی درگاهها ۴۳ - ۴۵ سانتیمتر است. نقشه و الگوی ساخت و مصالح بکار رفته در ساخت بنا متعلق به پیش از اسلام است که البته تداوم آن را در برخی از بناهای قرون اولیه اسلامی در منطقه میتوان دید. نقشه این بنا در کلیات قابل مقایسه با نقشه چهارطاقی شمال اردکان یزد، نقشه آتشکده و نداده در میمه اصفهان (جودکی، ۱۳۹۳: ۶۰) و نقشه تخت نشین شهر اردشیر خوره (هوف، ۱۳۶۶: ۴۰۵)، از دوره ساسانی و بنای کوشک رحیم آباد متعلق به سده سوم هجری است (جودکی، ۱۳۹۳: ۸۲). کوشک رحیم آباد کاخی از قرون اولیه اسلامی است که در میان باغ قرار داشته و یکی از بهترین آثار بجای مانده از این نوع، نه تنها در ایران بلکه در سراسر آسیای مرکزی است (طرح جامع مدیریت بم و منظر فرهنگی، ۱۳۸۷، ۲۱). بنای اسلام آباد نیز بدون احتساب دهلیزی در پیرامون، دارای کاربری کوشک بنظر میرسد. اما آنچه این کاربری را با تردید مواجه میسازد، وجود راهروی سراسری است. بخش باقیمانده از این راهرو، در طول ضلع شرقی و در مقابل ایوانهای دوقلو کشیده شده و آثاری از درگاهی در آن دیده نمیشود. وجود این راهرو، نخست آنکه ارتباط بصری فضاهاى داخلی را با محیط بیرونی که از ویژگیهای بارز بناهایی با کاربری کوشک است، محدود میسازد و دوم آنکه وجود راهرو سراسری از ویژگیهای معماری مذهبی دوره ساسانی است. «راهرو وجه ممیزه تمام آتشکده‌های فرضی دیگر است» (روترو، ۱۳۸۷: ۶۹۲). بنای آتشکده‌های کنارسیاه، وخرمایک در مسیر فراشبوند و فیروز آباد فارس، دارای اتاق مرکزی و راهرویی در اطراف است. آتشکده تل جنگی دارای اتاق مرکزی گنبددار چهار اتاق با پوشش گنبد در چهارگوشه و راهرویی در اطراف است (Vondenbergh, 1961: planII, III, IV). چهارطاقی دره گنجشکی در فراشبند، دارای اتاق مرکزی، فضاهاى در اطراف و راهرویی باریک پیرامون این فضاهاست. تشخیص درگاههای

این بنا بدلیل انبوه آوار بدرستی معلوم نیست (نیکنای و فاضل، ۱۳۹۵: نقشه ۳). آتشکدهٔ مجموعه تخت سلیمان و بنای موسوم به چهارطاقی در قصرشیرین بزرگترین بنای شناخته شده از این نوع است (روتر، ۱۳۸۷: ۶۹۱-۶۹۳). در بنای قلات اسلام‌آباد عناصر اتاق گنبددار مربع مرکزی و بویژه راهروی پیرامونی از موارد احتمال کاربری مذهبی بناست. در اتاق مرکزی طاق‌نماهای اضلاع شرقی و غربی و نیز طاقهای اضلاع جنوبی و شمالی که در آنها درگاهی تعبیه شده تنها، نمادی از چهار قوس چهار سوی آتشکده‌های ساسانی بنظر میرسد. اما بشکل واقعی دسترسی به اتاق مرکزی از طریق درگاهی ضلع جنوبی و شمالی و احتمالاً درگاهیهای کوچک گوشه اتاق بوده است. البته از ویژگیهای معماری شیوه پارتی، گوناگونی در ساختمانهاست و برای نمونه در زمان ساسانیان دو ساختمان دارای طرح یکسان دیده نمیشود (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۹۵-۱۲۶). چفد بناکار رفته در پوشش ایوانهای دوقلوی شرقی و غربی از نوع بیز یا همان هلوچین تند است که از ویژگیهای خاص معماری ساسانی است و بزرگترین نمونه آن در قوس شلجمی طاق کسری دیده میشود (روتر، ۱۳۸۷: ۶۵۲). قرینه‌سازی از ویژگی بارز این بناست که اگرچه در جزئیات گاهی رعایت نشده اما در مجموع، این بنا از پلانی متقارن برخوردار است. جفت‌سازی در نیایشگاهها و کاخهای پذیرایی از ویژگیهای معماری شیوه پارتی و دورهٔ ساسانی بنظر میرسد (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۹۵). در نسخه‌ی خطی از اواخر دورهٔ قاجار (۱۲۹۰ه.ق)، که یک سند مالکیت ارضی است، از این بنا با عنوان ارگ یاد شده است. در این سند، حدود ملک مورد نظر بدین شرح آمده است: «... شرقاً بطرف چاه سردی، غرباً خارج از آبادی بطرف بوته‌های کهورانی، شمالاً ارگ و دشت سیاهک...» (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸) نمای جنوبی قلات اسلام‌آباد
منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴



تصویر ۱۹) سند خطی از دوره قاجار با نام ارگ (قلات اسلام آباد). منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

ارگ بطور کلی بمعنی قلعه‌ی کوچک در میان قلعه‌ی بزرگ یا بنایی کوچک در میان بنایی بزرگتر است (معین، ۱۳۷۱: ۲۰۵). پیرامون تپه سفالینه پراکنده است و رشته‌ی قنات بایر از مجاورت جنوب تپه عبور میکند. سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه بدون لعاب و مشابه سفالینه‌های محوطه‌ی چاه ریگان بوده و از ویژگی‌های کلی سفال ساسانی تبعیت مینماید (جدول ۲- طرح ۳۲-۳۶).

قلات ده شهیک

در جنوب غربی روستای ده شهیک، در منطقه چاهدگال، در طول جغرافیایی ۷۱۱۶۵۱،

عرض ۳۱۸۵۸۲۳ و ارتفاع ۵۸۱ متر از سطح دریا قرار دارد. چشم‌انداز محوطه، ریگزار، تپه‌های شن، درختان گز و کهور و پشته قناتهای قدیمی است. ارتفاع این تل نه متر است و بر سطح آن بقایای بنایی دیده میشود. نقشه بنا مربع‌شکل با طول هر ضلع ۲۲ متر و بقایای چهار برج مدور در چهار گوشه است (تصویر ۲۰). در دو ضلع جنوب غربی و جنوب شرقی ردیف اتاقهایی مستطیل‌شکل قرار دارد که ابعاد اتاقها ۵/۵×۲ متر است. مصالح ساخت بنا خشتهایی مربع‌شکل با ابعاد ۴۰ سانتیمتر و ضخامت ۹-۱۰ سانتیمتر است. ضخامت دیوارها بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. بیشترین ارتفاع مشخص از بنا ۵۰ سانتیمتر است و تنها در گوشه جنوبی به دو متر میرسد. آسمانه طاق گهواره‌یی با چفد بیز در فضایی از گوشه جنوبی دیده میشود. فاصله بین اتاقهای اضلاع شمال شرقی و جنوب غربی، فضایی به عرض ۴/۷۰ متر است که آثار طاق گهواره‌یی با چفد بیز در قسمتهایی از آن نمایان است. قسمتهای نمایان، آسمانه و قسمت بالای طاق است که نشان میدهد ساختمان مزبور احتمالاً دو اشکوبه بوده و سطح کنونی تپه، بام فضاهای زیرین است که پوشیده از خاک است. این بنا خود بخشی از یک محوطه باستانی است که کاربریهای چندی از جمله قلعه، کاروانسرا و کوشک را میتوان برای آن متصور شد (نقشه ۶). دژهای ساسانی نقشه مربع یا مستطیل دارند و دارای برجهای مدور در گوشه‌ها یا احتمالاً ورودی هستند (Huff, 1995, 333). در قرون



تصویر ۲۰) دورنمای قلات ده شهیک. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

اولیة اسلامی نیز ساخت بناهایی با این نقشه ادامه یافته که نمونه‌هایی از آن در محوطه باستانی دارزین بم همچنان باقی است (Shokoohy, 1980, 6-14). جزئیات ساختمانی در دارزین از جمله نقشه همکف، شیارهای پیکانی و درهای ورودی و سایر موارد در دژها، کاخها و خانهای اواخر ساسانی و اوایل اسلام تکرار شده است. این موارد نشان میدهد که تا چه اندازه ویژگیهایی که قلعه و کاروانسرا را از یکدیگر جدا میکند، باریک است (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۹-۴۰۰). در اغلب موارد پیوستگی زیادی در معماری نوع کوشک، کاخ، کاروانسرا و بعضاً رباطها وجود دارد. چنین پیوندهایی گاهی موجب گردیده که کاربری یک بنا هم‌زمان بعنوان کاروانسرا، خانقاه، عمارت یا کاخ مطرح باشد (همان: ۴۰۸). از سوی دیگر، نقشه قلات ده شهیک دارای مشابهتهایی با کاخ مرکزی مجموعه لشکری بازار است (همان: ۶۷۱، نقشه ۹۹،۷). کاخ در ساده‌ترین شکل خود میتواند منحصر به یک ساختمان باشد. حتی در ساده‌ترین شکل کاخ به دو قسمت تقسیم میشود؛ فضایی باز در سطح زمین که تقریباً در دسترس همگان و برای پذیرش عموم بود و فضایی در بالا که جهت استفاده خصوصی حاکم یا پادشاه بود. در چنین مواردی محیط پیرامونی این ساختمانهای کوچک در مقایسه با مجموعه‌های بزرگ دارای اهمیتی بیشتر است. کاخ میتواند بعنوان یک اقامتگاه بیلاقی و یک استراحتگاه موقت و یا بعنوان اقامتگاه سلطنتی بدون تأکید بر سایر عملکردها مطرح باشد. کوشک رایجترین ساختار مستقل کاخ مانند است (همان: ۴۴۹-۴۵۰). پشته‌های قناتی بایر در شرق تپه کشیده شده که احتمالاً منبع تأمین آب محوطه بوده است و چندین رشته قنات بایر و دایر دیگر پیرامون محوطه دیده میشود. رودخانه فصلی بند نسا از جنوب این محوطه عبور میکند که پس از طی مسافتی اندک با نام رودخانه دشتوک در ریگزارهای لوت فرو مینشیند. در سطح بنا و



محوطه، به میزان قابل توجهی سفالینه پراکنده است. سفالینه‌ها همگی بدون لعاب و اغلب قطعات ضخیم و مربوط به ظروف بزرگ و دارای ویژگیهای عمومی سفالینه‌های ساسانی است (جدول ۲- طرح ۳۷-۴۴). روستای دهنو چاهدگال (آزادگان) در انتهای بخش نگین کویر و در حاشیه بیابان واقع شده است. در حاشه شمالی این رودخانه در روستای دهنو، تلی مربع شکل قرار دارد. طول هر ضلع این تل تقریباً بیست متر و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف حدود شش متر

است. آثار معماری در سطح تپه پوشیده و نقشه ۶) قلات ده شهیک. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴ قابل مشاهده نیست، اما برجستگی موجود در گوشه‌های این تل، وجود بنایی مربع شکل با چهار برج در چهار گوشه را محتمل می‌سازد که مشابه قلات ده شهیک است. در سطح محوطه هیچگونه ماده فرهنگی یافت نشد. پیرامون تپه پوشیده از آبرفت و بوته‌زاری انبوه است. دلیل این موضوع، واقع شدن این تل در قسمتهای انتهایی رودخانه دشتوک است (تصویر ۲۱).



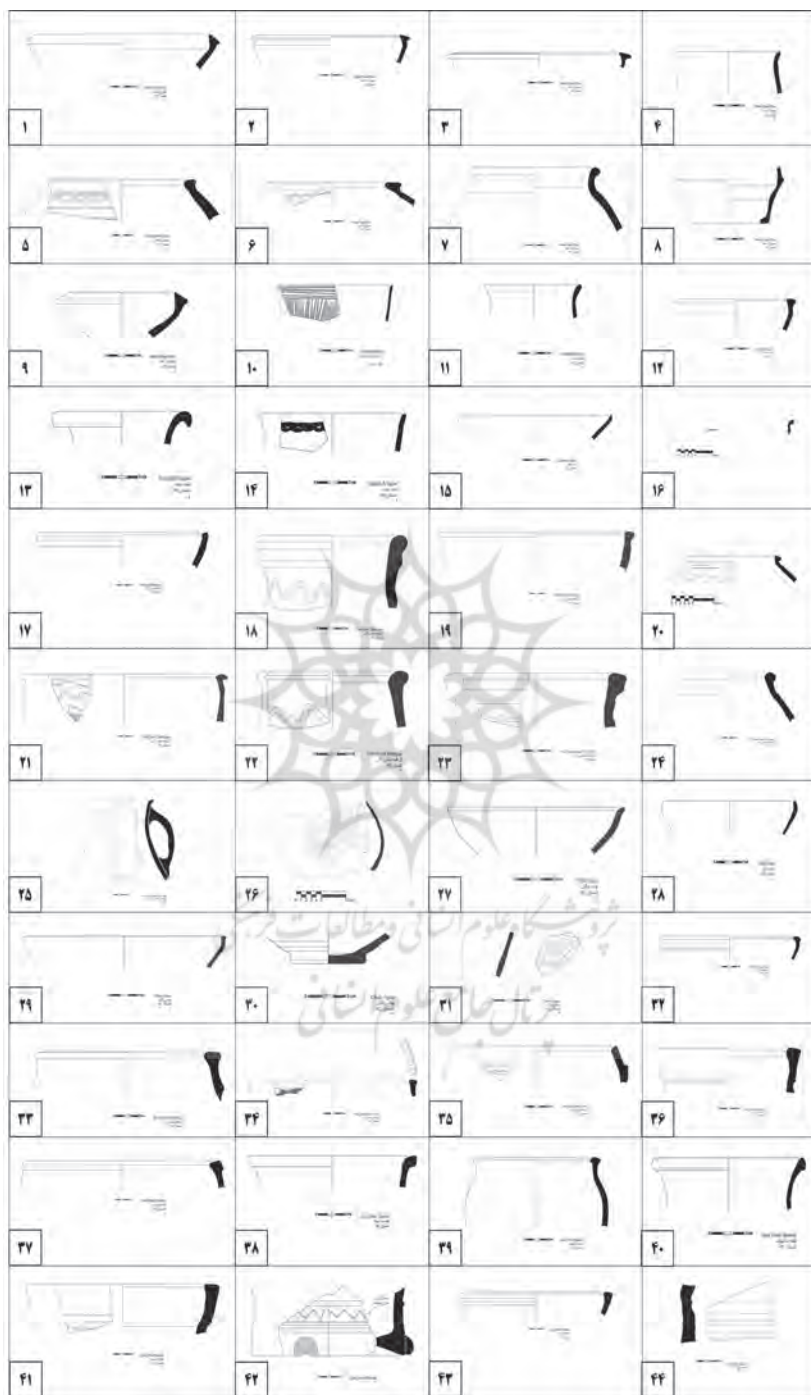
تصویر ۱۲) دورنمای تل قلعه دهنو آزادگان. منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

محوطه‌ها و آثار مطالعه شده در بخش نگین کویر همگی بر سر راه قدیم ارتباطی فهرج و ریگان به ایرانشهر، خاش و خلاصه سیستان قرار داشته‌اند.

جمع‌بندی

سرزمین فهرج در انتهای جنوب شرق کرمان و منظر گسترده فرهنگی بم، از نقاط شهری پررونق در حاشیه جنوبی کویر لوت بوده است. این سرزمین برغم اهمیت آن تاکنون ناشناخته باقیمانده است. اصطخری در صورت مفازه میان فارس و خراسان موقعیت ویژه فهرج را بصورت یک چهارراه و آخرین نقطه آبادان کویر نشان داده است. بلاذری و مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان، در شرح فتوحات اسلام، اگرچه کوتاه اما بخوبی به ذکر اهمیت فهرج پرداخته‌اند که حاکی از اهمیت آن در دوران تاریخی است. ابن خردادبه و مقدسی نیز فهرج را در مسیر فارس به سیستان و سند مینویسند. از امتیازات فهرج همجواری با نواحی مهم تمدنی چون سیستان و شهرهای مهمی چون خاش و سبج و نه و... و عبور و تلاقی راههایی است که به فارس، سیستان، خراسان، هند، کابل و کرمان امتداد مییافته است. پیشینه این مسیرها به دوره هخامنشی می‌رسد و اوج رونق آن تا پایان قرون میانه اسلامی است. تولید و حرکت و عبور مسیرها همواره باعث توسعه و ایجاد نقاط فعال شهری میشده است. آثار این آبادانی هم‌اکنون بصورت محوطه‌های وسیع از دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی، همچون محوطه مهدی آباد علیا و چاه ریگان و شاه مردان و بقای قلاع و آتشکده و... برجاست. مهمترین این مسیرها- که تاکنون نیز مورد استفاده است- مسیر کرمان به سیستان است که شاهد وقایع مهم تاریخی، از دوره هخامنشی تا قرن‌ها پس آن بوده است. نصرت آباد حالیه موسوم به اسپی در این مسیر واقع شده و نقطه‌بی قابل توجه در مکان‌یابی اقوام آریاسپی است. فهرج آخرین نقطه آبادان حاشیه کویر است که برغم همجواری با بیابان خشک و بی آب و علف لوت، دارای منابع غنی آبهای زیرزمینی و تعداد قابل توجهی رشته قناتهای دایر و بایر است. بنای قلات اسلام و قلات ده شهیک بلحاظ معماری، آثاری برجسته از دوره ساسانی هستند که میتوانند به زمره آثار دیگر از این دوره پیوسته و مورد بحث و بررسی قرار گیرند.^۱

۱. این پروژه به تشویق و زیر نظر مرحوم دکتر شهریار عدل، مشاور ارشد پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن صورت پذیرفت. روحش شاد و یادش گرامی باد. با سپاس از آقایان محمود توحیدی، حامد ابراهیم پور، مانی بهرامی و خانم کژال جهانگیری و با تشکر از فرمانداری و شورای شهر و روستا و اعضای یگان حفاظت شهرستان فهرج آقایان عابدین شهمرادزاده، حمید وحیدزاده، عباس دولت‌آبادی، احمد آوخ و مصطفی ابراهیم پور.



تصویر ۲۲) طرح سفالینه‌های محوطه‌های تاریخی بخش نگین کویر فهرج، منبع: فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴

جدول ۱) مشخصات فنی سفالینه‌های محوطه مهدی آباد علیا و محوطه پیرامون آن

شماره طرح	مکان	رنگ خمیره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسباننده/اندازه/تراکم	پخت	ساخت	مشخصات دیگر	منابع مقایسه
۱	محوطه مهدی آباد علیا	نارنجی	قهوه‌ای صیقلی	گلی غلیظ	کافی / ریز / زیاد با ذرات میکا	کافی	چرخساز		عطایی، ۱۳۸۳، لوح ۲۶، طرح ۴۰۲
۲	محوطه مهدی آباد علیا	نخودی	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ نخودی	کافی / متوسط / زیاد	کافی	چرخساز	کاسه‌هایی به این شکل به تعداد زیاد و در اندازه‌های متفاوت از گورستان بدست آمده‌اند	استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۰۸:۳ زهیری و مهر آفرین، ۱۳۹۲، تصویر ۱۱ فهیسی، ۱۳۸۲، لوح ۱۵:۴ و لوح ۱۲:۴ Summer, 1986: fig: III.2.C Scerrato, 1966: fig: 59, no: 2
۳	محوطه مهدی آباد	آجری	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ	کافی / متوسط / زیاد با اندکی ذرات میکا	کافی	چرخساز		علایی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵: طرح ۲۸ Potts et al., 2009, pl.18: QKC:1437 Schmidt, 1957, pl.62:4(Stone dish)
۴	محوطه مهدی آباد علیا	نخودی	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ	کافی / ریز / زیاد با اندکی ذرات میکا	کافی	چرخساز		استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۰۲ و ۱۱۷: ۱۱۶:۳۳ عطایی، ۱۳۸۳، لوح ۴۷ طرح ۱۰۹ و هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۳۶:۲ Magee et al., 2005: fig: 15.d
۵	محوطه مهدی آباد علیا	نارنجی	گلی غلیظ نخودی	گلی رقیق	کافی / ریز / زیاد و ذرات میکا	کافی	چرخساز	تقوس کنده افقی و هواج به زیر لبه	استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۱۸:۳۳ فیض خواه، ۱۳۸۲، لوح ۵۳، طرح ۲۹

شماره طرح	مکان	رنگ شماره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسباندن/ اندازه /تراکم	پخت	ساخت	مفصلیات دیگر	منابع مقایسه
۵	محوطه مهدی آباد علیا	آجری نخودی	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ نخودی	کافی / ریز / زیاد	کافی	چرخساز	تقویر کننده موج و افقی	استبر و ناخ، ۱۳۷۹، شکل ۳۳: ۱۱۸؛ فیض خواه، ۱۳۸۲، طرح ۲۹ محمدخانی، ۱۳۸۸، ۱۰۶: ۱۰۶-۱
۷	محوطه مهدی آباد علیا	آجری	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ نخودی	کافی / ریز و درشت / زیاد با ذرات میکا به میزان زیاد	کافی	چرخساز		سینسجادی، ۱۳۸۴، ۹۷: طرح ۲۱ علائی مقدم و دیگران، ۱۳۱۵، طرح ۵۰ علائی، ۱۳۸۳، لوح ۱۵، طرح ۱۲۹ Schmidt, 1957, pl.72:8 Wheeler, 1962, fig:47:504
۸	محوطه مهدی آباد علیا	نارنجی	کف فاقه پوشش و بدنه دارای پوشش گلی غلیظ	فرسوده	کافی / متوسط / زیاد با اندکی ذرات میکا	کافی	چرخساز		Gentio, 1990, fig:7
۹	محوطه مهدی آباد	آجری	گلی غلیظ صیقلی؛ پوشش سیاه رنگ در قسمتهایی از دور لبه و آثاری از لماب از بین رفته بر سطح لبه ۲ و رسمی شوره مانند	گلی غلیظ	کافی / ریز / زیاد با ذرات میکا	کافی	چرخساز	کاسه‌هایی به این شکل به تعداد زیاد و در اندازه‌های مختلف از گورستان بدست آمده‌اند	علائی، ۱۳۸۳، لوح ۲۶، طرح ۴۰۴
۱۰	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (زمینه سجاد)	نخودی	قهوه‌های انحرایی	گلی غلیظ صیقلی	کافی / بود در شن با یافت نرم و مترکم و ذرات میکا به میزان زیاد	کافی	چرخساز	قطعاتی ظریف با پوشش قهوه‌ای صیقلی و تقویر هاشوری	استبر و ناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۱۱:۴ Magee et al, 2005, fig:17:a

شماره طرح	مکان	رنگ خمره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسب‌بندنده / اندازه / تراکم	پخت	ساخت	مشخصات دیگر	منابع مقایسه
۱۱	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	آجری	گلی رقیق نخودی	گلی رقیق نخودی	کافی / دانه‌های متوسط شن با تراکم زیاد و اندکی میکا	کافی	چرخساز		استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۲ و ۱۱۷:۱ عطایی، ۱۳۸۳، لوح ۱۲، طرح ۱۵ و لوح ۲۸ طرح ۱۷ Potts et al, 2009, pl.16: QKC:933
۱۲	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	آجری	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ	کافی / متوسط / زیاد با ذرات میکا	کافی	چرخساز		استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۱۱:۱۸ ۱۰۷:۴ و ۱۰۸:۳ Summer, 1986: fig:III.1, A, E زهیری و مهر آفرین، ۱۳۹۲، تصویر ۱۱
۱۳	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	نارنجی	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ	کافی / شن متوسط با تراکم متوسط و اندک مواد گیاهی	کافی	چرخساز		استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۱۸:۱۳-۱۵ عطایی، ۱۳۸۳، لوح ۴، طرح ۴
۱۴	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	آجری	نارنجی صیقلی	گلی صیقلی	کافی / پودر شن با بافتی نرم و متراکم و ذرات میکا	کافی	چرخساز	نقوش زنجیره‌ای شکل به رنگ سیاه	استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۱۱:۴ و ۱۲۲:۱۰ Magee et al, 2005, fig: 17:a Stronach, 1974, pl.III:8
۱۵	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	آجری	نخودی صیقلی	نخودی صیقلی	کافی / پودر شن با بافتی نرم و متراکم و میکا به مقدار قابل توجه	کافی	چرخساز		استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۱۰۸:۱ Magee et al, 2005, fig: 15:C
۱۶	پیرامون محوطه مهدی آباد علیا (تلمبه سجاده)	آجری	نخودی روشن	نخودی صیقلی	کافی / مواد گیاهی / بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز		سیدسجادی، ۱۳۸۴، طرح ۳ علایی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵، طرح ۲۹ محمد عالی، ۱۳۸۸، ۱۰۵:۱ Scerrato, 1966: fig:58, no.4 Summer, 1986: fig:III.1, L

جدول ۷) مشخصات فنی سفالینه‌های محوطه چاه ریگان، غلات اسلام آباد و ده شهبک

شماره طرح	مکان	رنگ خمیره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسبنانده / اندازه / تراکم	پخت	ساخت	مشخصات دیگر و تزئینات	منابع مفیده
۱۷	محوطه چاه ریگان	آجری	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن متوسط با تراکم بالا و اندکی مواد گیاهی	کافی	چرخساز	تقوش کنده مواج به زیر لبه	Hhfi&Gignouxy,1976,50 Leconomie,1987,pl:46-79. pl:62:2
۱۸	محوطه چاه ریگان	آجری	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن ریز و درشت با تراکم زیاد	کافی	چرخساز	تقوش کنده مواج به زیر لبه	Whitcomb,1985,fig:18.L fig:79.a
۱۹	محوطه چاه ریگان	قرمز	نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / تراکم زیاد / درشت / کانی و بود در سفال / متوسط / زیاد	کافی	چرخساز	تقوش کنده افقی و مواج به زیر لبه	Azarnoush,1974,fig:190.c _fig:188.c
۲۰	محوطه چاه ریگان	ناریجی	نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن ریز و درشت با تراکم زیاد	کافی	چرخساز	تقوش زده انگشتی بر روی نوار برجسته افقی و تقوش کنده مواج و افقی به زیر لبه	Karlovsky,1970,fig:3.n
۲۱	محوطه چاه ریگان	آجری	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن ریز و درشت با تراکم زیاد	کافی	چرخساز	تقوش کنده ناخنجی و مواج و نوار برجسته افقی	Azarnoush,1974,fig:163.c
۲۲	محوطه چاه ریگان	ناریجی	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن ریز و درشت با تراکم زیاد	کافی	چرخساز	تقوش کنده مواج	Azarnoush,1974,fig:190.b Karlovsky,1970,fig:5.L
۲۳	محوطه چاه ریگان	ناریجی	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / دانه های متوسط شن با تراکم زیاد و اندکی ذرات براق	کافی	چرخساز	تقوش کنده مواج	Whitcomb,1985,fig:56 ,Kf:fig:41.D _ fig:43.K
۲۴	محوطه چاه ریگان	نخودی	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / مواد گیاهی / شن ریز و درشت / زیاد و ذرات براق	کافی	چرخساز	تقوش کنده مواج	Azarnoush,1974,fig:190.B
۲۵	محوطه چاه ریگان	ناریجی	گل غلیظ نخودی	گل غلیظ نخودی	کافی / شن متوسط / زیاد و ذرات براق	کافی	چرخساز		Whitcomb,1985,fig:48,q.o

شماره طرح	مکان	رنگ خمیره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسباندنده / اندازه تراکم	پخت	ساخت	مشخصات دیگر و تزئینات	منابع مقایسه
۲۶	محوطه چاه ریگان	نارنجی	نخودی	فرسوده	کافی / متوسط / زیاد	کافی	چرخساز	نقوش گیاهی با تکنیک قالی. این نوع تزئین اگر چه در دوره سلجوقی بیشتر کاربرد داشته اما بافت سفال ساسانی است.	گروه، ۱۳۸۴، طرح ۳۳
۲۷	محوطه چاه ریگان	نارنجی	لعب پاشیده سبز قهوه‌ای	لعب پاشیده چند رنگ، سبز قهوه‌ای	کافی / پودر شن با بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز		گروه، ۱۳۸۴، طرح ۸۹
۲۸	محوطه چاه ریگان	نارنجی	گلی غلیظ	لعب سبز تکرنگ	پودر شن با بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز		گروه، ۱۳۸۴، طرح ۱۱۴ و ۱۱۵
۲۹	محوطه چاه ریگان	نارنجی	سبز پاشیده	سبز پاشیده	کافی با مواد گیاهی و دارای بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز		گروه، ۱۳۸۴، طرح ۱۱۴ و ۱۱۵
۳۰	محوطه چاه ریگان	نارنجی	گلی غلیظ	لعب پاشیده چند رنگ، زرد و قهوه‌ای	کافی و مواد گیاهی با بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز		گروه، ۱۳۸۴، طرح ۱۱۴ و ۱۱۵
۳۱	محوطه چاه ریگان	نخودی	گلی غلیظ	گلی غلیظ	کافی با بافتی نرم و متراکم	کافی	چرخساز	نقوش استامپ‌هایی با موتیف هندسی	
۳۲	قلات اسلام آباد	نارنجی	قهوه‌ای	گلی غلیظ	کافی / متوسط / زیاد	کافی	چرخساز	-	Northedge&Fulkner, 1987, fig:10, 31
۳۳	قلات اسلام آباد	نخودی	گلی غلیظ نخودی	گی غلیظ	کافی و مواد گیاهی / ریز / زیاد	کافی	چرخساز		Karlovsy, 1970, fig:3, N - fig:5, L
۳۴	قلات اسلام آباد	نارنجی	نخودی	نخودی	کافی / ریز / زیاد	کافی	چرخساز	نقوش کنده ناخنی بر سطح لبه	Karlovsy, 1970, fig:3, P
۳۵	قلات اسلام آباد	قرمز	گلی غلیظ نخودی	گلی غلیظ	کافی و مواد آلی (گیاهی) / ریز / متوسط	کافی	چرخساز	نقوش کنده افقی و موج به دور لبه	Whitcomb, 1985, fig77, I Karlovsy, 1970, fig:5, O

شماره طرح	مکان	رنگ	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسباندن / اندازه / تراکم	پخت	ساخت	مشخصات دیگر و تزیینات	منابع مقایسه
۳۶	قلات اسلام‌آباد	قرمز	گی غلیظ نخودی	گی غلیظ	کافی / درشت / زیاد	کافی	چرخساز	-	Whitcomb, 1985, fig: 45, f Azamoush, 1974, fig: 186, d
۳۷	قلات ده شهیک	آجری	فرسوده	فرسوده	کافی / ریز و درشت / زیاد با ذرات میکا	کافی	چرخساز		Azamoush, 1974, fig: 188, c
۳۸	قلات ده شهیک	آجری	گی غلیظ سبز- نخودی	فرسوده	کافی / ریز و درشت / زیاد	کافی	چرخساز		Lecomte, 1987, pl: 47, 7 Decardi, 1975, fig: 8, 28
۳۹	قلات ده شهیک	قرمز	قرمز	قرمز	کافی / ریز / زیاد	کافی	چرخساز		Whitcomb, 1985, fig: 47, q - fig: 17, g
۴۰	قلات ده شهیک	آجری	گی رقیق نخودی	فرسوده	کافی / ریز و متوسط / زیاد	کافی	چرخساز		Azamoush, 1974, fig: 175, j Whitcomb, 1985, fig: 44, b Lecomte, 1987, pl: 56, 11
۴۱	قلات ده شهیک	قرمز	گی غلیظ نخودی	گی غلیظ نخودی	کافی و مواد گیاهی / شن متوسط و ذرات براق / بالا	کافی	چرخساز	تقریب زده ناخنی	Whitcomb, 1985, fig: 45, f Azamoush, 1974, fig: 186, d
۴۲	قلات ده شهیک	آجری	گی غلیظ سبز- نخودی	گی غلیظ سبز- نخودی	کافی / متوسط / زیاد	کافی	چرخساز	تقریب کننده افقی و موج، لایه‌ای رسوب بر سطح قطعه دیده میشود	-
۴۳	قلات ده شهیک	نارنجی	گی غلیظ نخودی	گی غلیظ نخودی	کافی / متوسط / زیاد با ذرات میکا	کافی	چرخساز	تقریب کننده افقی به دور لبه	Lecomte, 1987, pl: 51, 10
۴۴	قلات ده شهیک	قرمز	گی غلیظ نخودی	گی غلیظ	کافی / ریز و درشت / زیاد	کافی	چرخساز	شیارهای کنده و نوارهای برجسته افقی. سفالیته‌هایی با این تزیین به وفور از محوطه‌های آشکاری و ساسانی بدست آمده است.	Azamoush, 1974, fig: 180, p. 1

منابع فارسی

- ابن حوقل؛ ایران در صورة الارض (سفرنامه ابن حوقل)، بکوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله؛ مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۱.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم؛ مسالک و ممالک، ترجمه محمدبن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
- استروناخ، دیوید؛ پاسارگاد (گزارشی از کاوشهای انجام شده توسط مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا)، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹.
- اسعدپور بهزادی، زهرا؛ الماس کویر، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۰.
- _____؛ کیمیای ناسوت، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۲.
- افشار سیستانی، ایرج؛ زرنگ پایتخت صفاریان، مجموعه مقالات پایتختهای ایران، بکوشش محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم؛ ازدهای هفت سر، تهران: نشر درنا، ۱۳۷۱.
- بریان، پی‌یر؛ تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر، ترجمه مهدی سمسار، تهران: نشر زریاب، ۱۳۷۷.
- بلاذری، احمد بن یحیی؛ فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره، جلد اول، ۱۳۳۷.
- بی‌نام؛ تاریخ سیستان، نوشته به نیمه قرن پنجم هجری، بکوشش جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۱.
- پیرنیا، محمدکریم؛ سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات سروش دانش، ۱۳۸۶.
- توحیدی، فائق؛ فن و هنر سفالگری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
- توین‌بی، آرنولد؛ جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری جمهوری اسلامی ایران؛ اثر میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن- طرح جامع مدیریتی (۲۰۰۸-۲۰۱۷)، تهران: دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران با حمایت صندوق امانی ژاپن نزد یونسکو برای میراث فرهنگی، ۱۳۸۶.

- خبیصی، میرزا محمد ابراهیم؛ سلجوقیان و غز در کرمان، تصحیح و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
- دریاگشت، محمدرسول؛ از ماهان تا چابهار (سفرنامه بلوچستان)، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰.
- روتر، اسکار؛ تاریخچه معماری دوره ساسانی، در بررسی هنر ایران، بکوشش آرتور اپهام پوپ و فیلیس اکرم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۷.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کرمان- شهرستان بم، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد چهارم، ۱۳۸۶.
- سالار بهزادی، عبدالرضا؛ ارگ بم، بکوشش بتول ایزدپناه، کرمان: انتشارات سروش، صنایع خودروسازی کرمان، ۱۳۷۴.
- سایکس، سرپرسی؛ سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یاده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: نشر لوحه، ۱۳۶۳.
- سرفراز، علی اکبر؛ آوزمانی، فریدون؛ سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- سیدسجادی، سیدمنصور؛ گزارش کاوش دهانه غلامان، گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و دهانه غلامان، زاهدان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۴.
- فاضل، لیلاد؛ مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بم- بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بم، باشراف شه‌ریار عدل، مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی بم (منتشر نشده)، ۱۳۹۱-۱۳۹۴.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا؛ مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- کخ، هایدماری؛ از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۸۳.
- کیانی، محمدحسین؛ پیشینه سفال و سفالگری در ایران، تهران: انتشارات نسیم دانش، ۱۳۷۹.
- گروه، ارنست ج؛ سفال اسلامی، ترجمه فرناز حائری، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۸۴.
- لسترنج، گای؛ سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- محمدخانی، کوروش؛ گزارش بررسی باستان‌شناسی و تشکیل بانک اطلاعات محوطه‌های کوه خواجه سیستان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، پژوهش‌کنده باستان‌شناسی، ۱۳۸۸.

- مستوفی، احمد؛ گزارشهای جغرافیایی لوت زنگی احمد، تهران: مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- _____؛ مطالعات جغرافیایی دشت لوت، تهران: مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۷۱.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد؛ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، جلد دوم، ۱۳۶۱.
- وزیری، احمدعلی خان؛ تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
- وزیری، احمدعلی خان؛ جغرافیای کرمان، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲.
- هیلن برند، رابرت؛ معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۷.
- یارشاطر، احسان؛ تاریخ ایران، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد سوم - قسمت دوم، ۱۳۸۰.

مقالات

- امامی، سید محمدامین؛ آریانسب، سیمین؛ احمدی، حسین؛ عسکری چاوردی، علیرضا؛ پیرفرانچسکو، کالیری؛ «روشهای باستان‌سنجی بمنظور ساختارشناسی آجرهای کشف شده از تل آجری تخت جمشید»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ششم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- جودکی عزیزی، اسدالله؛ «کوشک رحیم آباد و چهارباغ تاریخی آن؛ یادگاری از سده‌های آغازین اسلامی در ایران»، باغ نظر، سال یازدهم، شماره سی، ۱۳۹۳، ص ۶۷-۸۸.
- زهبری، زهره؛ مهرآفرین، رضا؛ «مطالعه تطبیقی صنعت سفالگری شرق ایران با حوزه فارس در دوره هخامنشی (مطالعه موردی: دهانه غلامان)»، هنر و فن، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- عدل، شهریار؛ «قناتهای بم از منظر باستان‌شناسی، سیستم آبیاری در بم و پیدایش و تکامل آن از عهد پیش از تاریخ تا دوران مدرن»، مجموعه مقالات سومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، بکوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۵، ص ۴۷-۱۲۵.
- علایی مقدم، جواد؛ «در جستجوی اورگنها - نگرشی بر هویت واقعه استقرارهای کشف شده در

سیستان»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره هشتم، شماره اول، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳-۱۳۲.
 - فاضل، لیلا؛ «بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بم»، مجموعه مقالات سیزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی کشور، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰-۲۴۳.
 - نیکنامی، کمال‌الدین؛ فاضل، لیلا؛ «شناسایی و معرفی مسیر باستانی بیشاپور-فیروزآباد (اردشیرخره) در دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۶.
 - هوف، دیتریش؛ «فیروزآباد»، ترجمه کرامت‌الله افسر، مجموعه مقالات شهرهای ایران، بکوشش محمد یوسف کیانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد دوم، ۱۳۶۶، ص ۷۵-۱۱۸.

پایان‌نامه‌ها

- عطایی، محمدتقی؛ «معرفی سفال هخامنشی حوزه فارس: بررسی روشمند طبقه‌بندی شده باروی تخت جمشید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
 - فیض‌خواه، محمد؛ «الگوی استقراری آهن IV در آذربایجان براساس بررسی روشمند تپه هلاکو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.

منابع انگلیسی

- Azarnoush, M, "The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran", *Firenze, Le Lettere Coll*, Monografie di Mesopotamia, 1974.
- Genito, B, "The most frequent pottery types at Dahan e Gholaman(Sistan) and spatial variability", *South Asian Archaeology*, part 2, Rome, Institute Italiano per il medio ed estremo orient, vol. LXVI, pp 587-604, 1990.
- Huff, D, "Beoubachtungen zum Cahartaq und zur Topographie von Girre", *Iranica antiqua*, vol XXX, 1995.
- Karlovsky, L, "Excavation at tepe Yahya-Iran", 1967-1969, *progress report I*, Cambridge Massachusetts, 1970.
- Lecomte, O, La Ceramique Sasanian in Fouilles de Tureng Tepe sous la Direction de jean Deshayes1. *Les Periods Sassanides et Islamiques*, par R.Boucharlat et

- O.Lecomte*, Paris, Edition Recherche Sur Les Civilisation, 1987.
- Magee. P, C. Petrie, R. Knox, F. Khan and K. Thomas, “The Achaemenid empire in south Asia and recent excavations in Akra in northwest Pakistan”, *American journal of archaeology*, vol. 109, no.4, pp73-102, 2005.
- Northedge. A., Falkner. R, “The 1986 Survey Season at Samarra”, *Iraq*, vol:39, pp 143-173, 1987.
- Pottes, D.T, A. Askari Chaverdi, K. Macrae, K. Alamdari, A. Disting, J. Jaffarri, T.M. Ellicott, A. Setoudeh, A. lashkari, Sh. Ameli rad and A. Yazdani, “Further excavation at Qale Kali(MS46) by the joint ICAR_ university of Sydney Mamasani Expedition: result of the 2008 season”, *Iranica Antiqua*, XLIV, PP.207-281, 2009.
- Schmidt, E, “Persepolis II, contents of the treasury and other discovery”, *University of Chicago: Oriental Institute Publication*, vol, LXIX, 1957.
- Shokoohy, Mehrdad, “Monuments of the Early Caliphate at Dārzīn in the Kirmān Region”, *Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, no.1, pp. 3-20, 1980.
- Sceratto, U, “Excavation at Dahan_e Gholaman (Sistan-Iran)”, *first Priliminary report (1962-1963)*, *East and West*, 16 (1.2), pp. 9-67, 1966.
- Summer, W.M, “Achaemenid settlement in the Persepolis Plain”, *American Journal of Archaeology*, vol:90 (1), pp. 3- 31, 1986.
- Stronach, D, “Achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration to Fars”, *Iraq*, vol. 36, no.1/2, pp. 239- 248, 1974.
- Vondenberg, L, “Recentes decouvertes de monuments”, *Iranica antiqua I*, Leden, pp.163-198, 1961.
- Wheeler, M, *Charsada - A Metropolis of the North-West Fronthier*, London, Oxford University Press, 1962.
- Whitcomb, D, “Qasri - Abunahr, Old Shiraz”, *Arabica Orientale, Mesopotamia et Iran Meridional de Larg du far andedebatdela period Islamique*.Ed, Recherchesules civilization, Paris, 1985.